

روزگار

درس‌نامه‌ی غیبت امام عصر (عج)

حامد وحیدی

مجموعه
کتاب‌های
ابر و آفتاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وحیدی، حامد، ۱۳۶۱.

روزهای تبری: درس نامه‌ی غیب امام عصر (عج).

حامد وحیدی؛ تهیه مرکز فرهنگی تسلیعی آینده سازان.

قم: بنیاد العتره، ۱۳۸۹.

۹۶ ص. (مجموعه کتاب های بر و افتاب: ۳)

۱۹۰۰۰ ریال:

ISBN:978-964-162-088-4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ ق. غیبت ۲. فتن و ملاحم ۳. آخر الزمان.

الف. دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانش آموزان.

مرکز فرهنگی تسلیعی آینده سازان، ب. عنوان ج. عنوان: درس نامه ی غیب امام عصر (عج).

BP ۲۲۲/۲/۳۹

۲۹۷/۲۶۲۳

روزگار و آفتاب

درس‌نامه‌ی غیبت امام عصر (عج)

مجموعه
کتاب‌های
آبرو و آفتاب

عنوان: روزهای ایبری
درس سامه‌ی عمیبت امام عصر (عج)
نویسنده: حامد وحیدی
تهیه: مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان
ناشر: بقیة العترة
ویرایشگر: محمد باقر وزیري زاده
طراح جلد: محمد جواد زاهدت
نوبت چاپ: اول / بهار ۸۹
شمسارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۹۰۰ تومان

مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان
آدرس: قم / خیابان شهید فاطمی
(دور شهر) / کوی ۱۵ / پلاک ۱۵
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۱۲۴۷/۷۸۳۱۲۱۲
دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۳۱۰
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۵۵۳۳۳



فهرست

پیش درآمد.....	۹
طلیعه	۱۱
درس اول: چیستی غیبت.....	۱۳
غیبت، ناپیدایی.....	۱۵
چگونگی ناپیدایی.....	۱۵
پیشینه غیبت.....	۱۶
شرایط مشابه غیبت در زمان حضور ائمه علیهم السلام.....	۱۸
خودآزمایی.....	۲۰
برای مطالعه بیشتر.....	۲۰
درس دوم: چرایی غیبت.....	۲۱
چرایی غیبت.....	۲۳
راز ناگفتنی.....	۲۳
ناسازگاری محبت‌ها و عملکردها.....	۳۴
تحلیلی درباره علل غیبت.....	۳۶
حفظ جان گرانبهای حضرت - رهایی از بیعت با طاغوتیان.....	۳۷
آزمایش مردم.....	۳۸
خودآزمایی.....	۴۰
برای مطالعه بیشتر.....	۴۰
درس سوم: برکات امامی که ناپیداست.....	۴۱
برکات امامی که ناپیدا است.....	۴۳
۱. استواری نظام خلقت بواسطه امام.....	۴۳
۲. آبادانی دنیا.....	۴۴
۳. شناساندن حق و باطل.....	۴۵
۴. پاسداری از دین.....	۴۶
۵. اجرای احکام الهی.....	۴۷
۶. نظام‌بخشی به جامعه مسلمین.....	۴۷
۷. نظارت بر اعمال.....	۴۷
بررسی برکات وجود امام در عصر غیبت.....	۴۸

۵۲	خودآزمایی
۵۲	برای مطالعه بیشتر
۵۳	درس چهارم: چگونگی غیبت
۵۵	چگونگی غیبت
۵۶	آماده‌سازی روحی
۵۶	آماده‌سازی عملی
۵۷	۱. کاهش ارتباط مستقیم با شیعه
۵۷	۲. تقویت نهاد و کالت
۵۹	غیبت صغری (ناپیدایی کوتاه‌مدت)
۶۰	تفاوت‌های غیبت صغری و کبری
۶۱	نصب نواب چهارگانه
۶۱	عثمان بن سعید (قُدس سِرّه)
۶۱	محمد بن عثمان (قُدس سِرّه)
۶۲	حسین بن روح نوبختی (قُدس سِرّه)
۶۲	علی بن محمد سمري (قُدس سِرّه)
۶۳	ملاک در نصب نواب اربعه
۶۳	۱. رازداری
۶۴	۲. شکیبایی و مقاومت
۶۴	۳. عاقل‌ترین، فهمیده‌ترین و زیرک‌ترین
۶۴	۴. بدون حساسیت از طرف حکومت
۶۵	ارتباط شیعیان با نواب
۶۶	مسئولیت‌های نواب اربعه
۶۷	خودآزمایی
۶۷	برای مطالعه بیشتر
۶۹	درس پنجم: غیبت کبری
۷۱	غیبت کبری (ناپیدایی درازمدت)
۷۶	آسیب‌های غیبت
۷۷	ادعای ارتباط خاص (نیابت، یا بیعت)
۷۸	دیدارگرایی
۷۹	روزمرگی
۸۱	خودآزمایی

برای مطالعه بیشتر.....	۸۱
درس ششم: علائم ظهور.....	۸۳
شرایط و نشانه‌های ظهور.....	۸۵
اقسام نشانه‌ها و شرایط.....	۸۶
شرایط ظهور.....	۸۷
الف - یاوران.....	۸۸
ب - آمادگی و پذیرش عمومی.....	۸۹
نشانه‌های ظهور.....	۸۹
نشانه‌های حتمی و یقینی.....	۹۰
۱. خروج یمانی.....	۹۰
۲. خروج سفیانی.....	۹۱
۳. صیحه آسمانی.....	۹۲
۴. قتل نفس زکیه.....	۹۳
۵. خسف بیداء.....	۹۳
نشانه‌های غیرحتمی و احتمالی.....	۹۴
خودآزمایی.....	۹۶
برای مطالعه بیشتر.....	۹۶

پیش درآمد

مهدویت و نیاز به منجی ملموس‌ترین موضوع زندگی بشر امروز است. امید به نجات و رهایی از اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، جنگ‌ها، استعمار نوین و... وجه مشترک انسان هزاره سوم می‌باشد. گرایش اقوام و ملل به موعود آخرالزمان سوالات بسیاری را در ذهن‌ها طرح کرده است. تفکر در این پرسش‌ها مبدأ حرکتی مبارک در زندگی انسان است.

پرسش از مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان جوانان و نوجوانان دلیل بر آگاهی، رشد و عمق روحی ایشان می‌باشد. در پاسخ به پرسش جوانان و نوجوانان در این عرصه لزوم نگاه کاربردی و تفکرمحور در موضوع مهدویت احساس می‌شود.

معاونت پژوهش مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان بر آن شد تا با کنکاش در سوالات و دغدغه‌های مهدوی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، به بازکاوی در موضوعات مهدوی بپردازد. مجموعه کتاب‌های ابر و آفتاب شامل شش اثر در موضوع مهدویت است که محصول تلاش پژوهشگران این مرکز می‌باشد. این کتاب‌ها که در قالب درسنامه تألیف شده‌اند عبارتند از:

۱. آرزویی برای همه، درسنامه منجی‌باوری در ادیان و آیین‌ها، مؤلف: محمدصادق منتظری، با همکاری امیرمحسن عرفان.
۲. پله اول آسمان، درسنامه معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: حمیدرضا اسلامیه.
۳. روزهای ابری، درسنامه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف،

□ روزهای ابری / ۱۰

مؤلف: حامد وحیدی.

۴. نردبان آسمان، درسنامهٔ انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ،

مؤلف: محمدصادق منتظری.

۵. مردان راه، درسنامهٔ ارتباط منتظر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه

الشریف ، مؤلف: سید محمد افشین فر.

۶ دولت خدا، درسنامهٔ پیامدهای جهانی سازی و ضرورت تشکیل

حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مؤلف:

امیرمحسن عرفان.

در پایان از کلیهٔ پژوهشگران و دست‌اندرکاران تدوین و آماده‌سازی،

چاپ و نشر این اثر تشکر و قدردانی می‌شود.

مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان

فرورین ۸۹

طلیعه

مسأله «غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» از جمله معارفی است که در فرهنگ شیعه، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ به طوری که اگر از هر جوان شیعه درباره آخرین امام پرسیده شود، اطلاعاتی از این قبیل را ارائه خواهد نمود:

- دوازدهمین امام ما است.

- نامش مهدی است.

- او غایب است.

- در غیبت کبری به سر می‌برد و پیش از آن نیز غیبت صغری داشته است.

... -

- و او خواهد آمد.

اما اگر پرسش‌های دقیق‌تری مطرح شود، پاسخ آنها در حافظه معرفتی جوانان شیعه کمتر یافت خواهد شد؛ سوالاتی مانند:

- غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه معناست؟

- آیا غیبت با وظایف سنگین و حیاتی امامت منافات ندارد؟

- خداوند چگونه برای قرن‌های متمادی، بندگان را بدون امام و رهبر قرار داده است؟

- چه تفاوتی میان ما که از نعمت حضور امام معصوم محروم هستیم با

کسانی که از نزدیک در محضر ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند وجود دارد؟

- در زمان غیبت، وظایف امام معصوم را چه کسی انجام می‌دهد؟

– تکلیف ما در عصر غیبت چیست و چه باید بکنیم؟
و ده‌ها سؤال دیگر از این قبیل که معمولاً بدون پاسخ روشنی ذهن‌ها
را به خود مشغول کرده است.

در درس‌های پیش‌رو سعی شده است با بررسی این پرسش‌ها، پاسخی
هرچند اجمالی به برخی از آنها داده شود. باشد که با کسب این معارف،
گامی هرچند کوچک به سمت جایگاه شایسته انسان منتظر در عصر
غیبت برداریم.

درس اول چیستی غیبت

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- چیستی غیبت

- پیشینه غیبت

غیبت، ناپیدایی

در زبان فارسی وقتی می‌گوییم «شخصی غایب است»، یعنی او در میان ما حضور ندارد. اما هنگامی که می‌دانیم زمین هیچ‌گاه از وجود یک حجت معصوم خالی نخواهد بود^۱، پس چگونه می‌توانیم بگوییم «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب است»، به این معنا که در میان ما نیست؟

عبارت‌های «غیبت» و «امام غایب» در اصل عربی هستند. بنابراین باید معنای دقیق آنها را در همان زبان جستجو کنیم. در زبان عربی «غایب» به کسی می‌گویند که از دیده‌ها پنهان باشد.^۲ پس عبارت «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب است» یعنی از نگاه و دیده‌مردمان پنهان است نه اینکه حضور نداشته باشد؛ مثل اینکه شخصی در جلسه‌ای حضور داشته باشد ولی چون پشت مانعی قرار گرفته شما او را نبینید، آن شخص برای شما «غایب» است، اما برای کسی که قدری آن طرف‌تر نشسته غایب نخواهد بود، زیرا از دیده‌ او پنهان نیست.

چگونگی ناپیدایی

بعد از اینکه معلوم شد غیبت به معنای عدم حضور در روی زمین نیست بلکه به معنای پنهان بودن از دیده‌هاست، این سؤال مطرح

۱. امام صادق(ع): لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹،

حدیث ۱۰.

۲. لسان العرب.

می‌شود که منظور از مخفی بودن از دیده‌ها چیست؟ آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور کلی در میان ما زندگی نمی‌کند و مردم ایشان را نمی‌بینند و هیچ‌گاه با ایشان مواجه نمی‌شوند؟ و یا ایشان در میان ماست و ما می‌توانیم ایشان را ببینیم، ولی هیچ‌گاه حضرت را نمی‌شناسیم. در صورت اول «جسم» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده‌ها پنهان است و در صورت دوم جسم امام دیده می‌شود، اما ایشان شناخته نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت: شخصی با عنوان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده‌ها پنهان است.

در این بحث، کارشناسان و دانشمندان مباحث مهدوی با توجه به روایات، نظرهای متفاوتی داده‌اند که در این باره به ذکر جمله‌ای از کتاب پاسخ به ده پرسش، نوشته حضرت آیه‌الله صافی بسنده می‌کنیم:

«در باره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبت به هر دو نحو (غیبت جسم و غیبت عنوان) تحقق دارد. فلسفه و فایده غیبت به هر دو نحو حاصل می‌شود و از جمع بین روایات ... دانسته می‌شود که غیبت آن حضرت به هر دو نحو وقوع پیدا کرده است.»^۱

اما آیا دانستن اینکه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به کدامیک از این دو صورت است، در زندگی ما تأثیری خواهد داشت؟

پیشینه غیبت

ناپیدا بودن امام امری غیرطبیعی به نظر می‌رسد و معمولاً هماهنگی و سازگاری با وقایعی که غیرعادی هستند، برای انسانها به راحتی انجام نمی‌پذیرد. ممکن است فشاری که انسان‌ها در اثر غیبت امام معصوم تحمل می‌کنند، گاه به شکوایه‌هایی مانند اینها بیانجامد:

۱. صافی گلپایگانی، پاسخ به ده پرسش، ص ۶۷.

«چرا از میان میلیاردها انسانی که تا به حال آمده‌اند و رفته‌اند، ما باید از حضور رهبر معصوم محروم باشیم؟ چرا این سرگردانی و حیرت باید نصیب ما باشد؟ چرا انسان‌های پیش از ما در محضر رهبران معصوم (پیامبران و امامان) بوده‌اند و در بسیاری مشکل‌ها و معضله‌ها از ایشان کمک گرفته‌اند، ولی ما در دوران سخت غیبت هستیم؟»

پاسخ برخی از این سؤال‌ها در بحث «فوائد امام غایب» طرح خواهد شد. اما آنچه به این بخش مربوط می‌شود آن است که آیا واقعاً فقط ما از حضور رهبری معصوم در میان خود محروم بوده‌ایم؟ و آیا مفهوم غیبت، تنها در عصر ما محقق شده است؟ در پاسخ به این سؤال آنچه از روایات استفاده می‌شود آن است که:

۱. قوم ادریس پیامبر علیه‌السلام از نخستین اقوامی بوده‌اند که طعم غیبت را چشیده‌اند. در آن زمان، حضرت ادریس علیه‌السلام مدتی از قوم خود غایب بود و پس از ظهور خود، وعده فرج و قیام قائم از فرزندانش یعنی حضرت نوح علیه‌السلام را داد.^۱

۲. حضرت صالح علیه‌السلام نیز غیبتی مشابه این داشته و برای مدتی از قومش غایب بوده است. قوم صالح در زمان غیبت پیامبرشان به سه دسته تقسیم شدند: عده‌ای به طور کلی او را انکار کردند. عده‌ای در حالت شک و تردید ماندند و عده‌ای هم اهل یقین بودند.^۲

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «پس از حضرت یوسف علیه‌السلام شدت و غیبتی برای بنی اسرائیل واقع شد که چهارصد سال طول کشید. در حالی که آنان همگی منتظر قیام قائم قوم خود یعنی حضرت موسی علیه‌السلام بودند. حضرت موسی علیه‌السلام پس از نجات

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۶ و...

۲. همان.

بنی اسرائیل نیز غیبتی چهل روزه داشت که در آن مدت در میان بنی اسرائیل انحراف‌های بزرگی پدید آمد.^۱

شرایط مشابه غیبت در زمان حضور ائمه علیهم السلام

فرض کنید که در زمان یکی از امامان معصوم پیشین زندگی می‌کنید. محل زندگی هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام شهر خاصی بوده است؛ امیرالمومنین علیه السلام در شهر کوفه مستقر بوده‌اند و امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در مدینه و... پس حضور فیزیکی هر کدام از ایشان محدود به همان شهر محل اقامتشان بوده است. حال با توجه به وسعت دنیای اسلام در آن دوران‌ها تصور کنید رابطه مسلمانانی که در شمال آفریقا، ایران، اروپا و یا یمن زندگی می‌کردند، با امامشان در چه حدی بوده است. مسلمانی که در شمال آفریقا است، در طول عمر خود امام معصوم خودش را ندیده است و به طور معمول تا پایان عمر هم موفق به این دیدار نمی‌شود. اما او مسلمان است و به امام زمانش معتقد. او مکلف است وظایف خود را نسبت به خدا و امام معصوم زمان خود انجام دهد، همان‌طور که امام زمان او هم وظایفش را نسبت به او انجام می‌دهد.

پس می‌بینیم علاوه بر آنکه در برهه‌هایی از تاریخ، حجت‌های الهی غایب بوده‌اند، در زمان حضور آنان نیز برای بیشتر انسان‌ها وضعیتی مشابه غیبت وجود داشته است.

این وضعیت در زمان امامت امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام حتی برای کسانی که در شهرهای محل استقرار ایشان زندگی می‌کرده‌اند، نیز وجود داشته است که در فصل‌های آینده به طور مختصر

۱۹ / چیستی غیبت □

به آن پرداخته خواهد شد. نتیجهٔ مباحث گذشته این است که مسألهٔ غیبت، امر خیلی غیرطبیعی، نادر و غیرقابل باوری نیست. وضعیت همی که ما اکنون در آن به سر می‌بریم، برای بسیاری از انسان‌های پیش از ما نیز وجود داشته است. اگرچه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که در بحث «چگونگی غیبت» به آنها خواهیم پرداخت.

خودآزمایی

۱. منظور از غیبت چیست؟
۲. نمونه‌هایی از غیبت‌هایی را که در اقوام گذشته رخ داده است نام ببرید.
۳. آیا شرایط مشابه غیبت، در زمان حضور و ظهور معصومین هم رخ داده است؟ توضیح دهید.

برای مطالعه بیشتر

- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات شفق، قم.
- موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

درس دوم چرايا غيبت

آنچه در اين درس مي خوانيم:

- آزمون
- حفظ جان گرانبها
- رهايي از بيعت
- مكافات عمل
- تحليلي درباره علل غيبت

چرایی غیبت

پس از روشن شدن معنای غیبت و پیشینه آن، سوالات زیر نمود بیشتری پیدا می‌کند:

- علت غیبت یک امام چه چیز می‌تواند باشد؟

- چرا خداوند خلیفه خویش در زمین را در پرده غیبت پوشانده است؟

- آیا غیبت حجت الهی ظلم بر انسان‌های معاصر آن حجت نیست؟

خداوند حکیم است و حکیم یعنی کسی که کار بیهوده و بدون دلیل انجام نمی‌دهد. پس وقتی خداوند غیبت را برای آخرین حجت خویش مقرر فرموده است، قطعاً دلایل و حکمت‌هایی برای این کار وجود دارد. ممکن است یک پدیده علت‌های مختلفی داشته باشد و همه آن علت‌ها در کنار هم موجب وقوع آن واقعه شده باشند، ضمن آنکه ممکن است از میان علت‌ها نقش برخی کلیدی‌تر و اساسی‌تر باشد. نکته دیگر اینکه ممکن است خداوند بخاطر مصلحت‌هایی همه یا بخشی از علت‌های آن واقعه را از ما مخفی نگه دارد.

برای فهم علت غیبت نیز مانند بسیاری از مسائل برتر از فهم بشر عادی، هیچ راهی جز مراجعه به خزانه‌داران علم الهی یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام وجود ندارد. بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، برای غیبت امام دوازدهم فلسفه و علت‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه آنها را بررسی می‌کنیم.

راز ناگفتنی

پیش از بررسی علل غیبت توجه به روایت زیر ضروری به نظر می‌رسد:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ — جُعِلْتُ فِدَاكَ — قَالَ لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ. قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ؟ فَقَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غِيَابَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ. إِنَّ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا. يَا ابْنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ — عَزَّ وَ جَلَّ — حَكِيمٌ، صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ»^۱

برای صاحب این امر (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) غیبتی رخ خواهد داد که در آن غیبت طرفداران باطل به شک و شبهه گرفتار می‌شوند. راوی پرسید: فدایتان بشوم این غیبت برای چیست؟ حضرت فرمود: ما اجازه نداریم علت اصلی غیبت را برای شما بیان کنیم. راوی دوباره پرسید: غیبت به خاطر چه حکمتی بوده است؟ حضرت فرمودند: تنها

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۱۱.

بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که حکمت ناپیدایی آن حضرت معلوم می‌شود، همان‌طور که در جریان موسی و خضر نیز حکمت کارهای خضر یعنی شکستن کشتی، کشتن کودک و بازسازی دیوار، هنگام جدایی آنها از هم معلوم شد (و موسی علیه‌السلام تا پیش از آن از حکمت آن کارها بی‌اطلاع بود). ای پسر فضل! این بحث غیبت یکی از اموری است که به خداوند مربوط می‌شود و رازی از رازهای اوست و ما وقتی می‌دانیم خداوند بزرگ‌مرتبه و حکیم است، باور داریم که کارهایش هم از روی حکمت است، اگرچه حکمت آنها روشن نباشد.

مطابق این روایت، دلیل و حکمت اصلی غیبت بر ما پوشیده است و جز با ظهور امام معلوم نمی‌گردد. لذا در اینجا به برخی از علت‌های دیگر غیبت که در روایات به آنها اشاره شده است، می‌پردازیم.

۱. آزمون

امتحان و آزمایش یکی از سنت‌های الهی است که در مورد همه انسان‌ها بدون استثناء محقق خواهد شد. خداوند می‌فرماید:

«أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^۱

آیا مردم پنداشته‌اند همین که بگویند ما ایمان آورده‌ایم، رها می‌شوند و مورد امتحان قرار نمی‌گیرند؟

در طول تاریخ، هیچ قومی را نخواهیم یافت که خداوند آنها را امتحان نکرده باشد. البته آزمایش‌های اقوام مختلف یکسان نبوده و هر کدام به

۱. سوره عنکبوت، آیه ۲.

نحوی آزموده شده‌اند؛ برخی سخت‌تر و برخی ساده‌تر. ضمن آنکه در هر عصر و زمانی خداوند متناسب با سطح فهم و درک مردم و شرایط آن عصر، مردم را امتحان می‌کند، همان‌طور که در آیه شریفه می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱

خداوند جز به اندازه ظرفیت انسان‌ها ایشان را مکلف نمی‌نماید.

هرقدر ظرفیت انسان‌ها بیشتر باشد، امتحان ایشان هم سخت‌تر خواهد بود. آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که عصر غیبت از دشوارترین زمان‌های تاریخ است و مردم این زمان در امتحانات سخت‌تری نسبت به دیگر زمان‌ها واقع می‌شوند و یکی از آن امتحانات سخت، ناپیدایی حجت خداوند است تا با غیبت او گروه گمراهان و صالحان به روشنی از هم جدا شوند.

امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«أَمَا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَ أبنَائِي هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ
رَجُلًا مِّنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ
لَيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيِزًا لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ حَتَّى يَقُولَ
الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِّنْ حَاجَةٍ»^۲

به خدا قسم که من و این دو فرزندم (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) شهید خواهیم شد و خداوند در آخرالزمان مردی از فرزندانم را به خون‌خواهی برخواهد انگيخت و او در دوره‌ای غایب خواهد شد تا گمراهان از غیر گمراهان کاملاً

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱.

مشخص شوند.

همچنین امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «خداوند شیعه را امتحان می کند و در آن وقت انسانهای گمراه به شک می افتند.»^۱
بنابر روایات، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق نخواهد شد، مگر بعد از آنکه مردمان عصر غیبت از امتحان الهی عبور کنند و مرز ایمان و نفاق به خوبی مشخص شود.
امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«هِيَاهُ هِيَاهُ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرَبَلُوا ثُمَّ
تُغْرَبَلُوا — يَقُولُهَا ثَلَاثًا — حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِيرُ وَ
يَبْقَى الصَّفْوُ...»^۲

قطعا فرج ما نخواهد رسید، مگر زمانی که شما غربال شوید
(بوسیله امتحانات) و غربال شوید و غربال شوید تا خداوند
ناخالصی ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است
باقی بماند.

۲. حفظ جان گرانبها

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت از حجت های الهی است که اهداف تمامی انبیاء و ائمه علیهم السلام به دست ایشان محقق خواهد شد. تاریخ به خوبی نشان می دهد که چگونه یازده امام پیش از حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و بسیاری از انبیاء به دست مردم زمان شان به شهادت رسیده اند. پس معلوم می شود یکی از حکمت های غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ جان ایشان است که این

۱. کلینی، اصول کافی، جلد ۱، باب الغیبه، ح ۲، ص ۲۳۵.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۳۹.

حکمت در روایات هم بیان شده. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ» فَقِيلَ لَهُ: «وَلِمَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ؟» قَالَ: «يَخَافُ الْقَتْلَ»^۱

به ناچار برای مهدی غیبتی است. پرسیدند: چرا یا رسول الله؟
فرمود: از کشته شدن بیم دارد.

پر واضح است که مکتب اهل بیت علیهم السلام مکتب شهادت طلبی و از
جان گذشتگی است. پس چگونه است که آخرین گوهر این خاندان که
تمام کننده زحمات و تلاش‌های همه انبیاء و اولیاء است، از کشته شدن
بیم دارد؟! قطعاً باید نکاتی در این روایت نهفته باشد که در اینجا به دو
مورد به اختصار اشاره می‌کنیم.

الف - تقریباً همه ائمه معصومین علیهم السلام از قیام حضرت مهدی
عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده‌اند و بیان کرده‌اند که او از نسل امام
حسن عسکری علیه السلام خواهد بود. برای همین هرچه خلفای عباسی به
زمان ولادت ایشان نزدیک‌تر می‌شدند، نسبت به ائمه سخت‌گیری
بیشتری می‌کردند و همه تلاش خود را برای جلوگیری از تولد ایشان و
یا قتل ایشان پس از تولد به کار بستند.

بنابراین آن حضرت از همان ابتدای تولد و پیش از آن در خطر شهادت
توسط خلفای عباسی قرار داشت و غیبت برای زنده ماندن ایشان
ضروری می‌نمود. همچنین هرگز نمی‌توان گفت که با انقراض خلفای
عباسی خطر از آن حضرت برطرف شده، چون در همه زمان‌ها جبهه
طاغوت کمر به قتل رهبران الهی بسته است.

ب - همان‌طور که گفته شد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰، ح ۱.

آخرین ذخیره الهی است و همه اهداف تحقق نیافته انبیاء و اوصیاء توسط ایشان محقق خواهد شد. یکی از اهداف انبیا به تکامل رساندن انسانها و جامعه انسانی بوده است که در بعد تکامل فردی انسانها، در حد قابلیت انسانهای زمان خود موفق بوده‌اند. اما تکامل اجتماعی هنوز محقق نشده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عهده‌دار تحقق آن هستند.

پیش از ایشان اگر هر یک از ائمه علیهم‌السلام به شهادت می‌رسید، امام دیگری بود که جانشین وی گردد ولی از آنجا که ایشان آخرین امام و خلیفه خداوند است، می‌بایست تا زمان آماده شدن همه زمینه‌ها برای اجرای کامل دستورهای خدا زنده بماند و حکومت آرمانی دینی را برپا کند. لذا تا ایجاد آن زمینه‌ها - که بخشی از آن با غیبت ایشان به دست می‌آید- آن وجود مبارک در پرده غیبت محافظت خواهد شد.

۳. رهایی از بیعت

با نیم‌نگاهی به تاریخ ائمه علیهم‌السلام درمی‌یابیم که هر یازده امام معصوم بخاطر مصلحت‌ها و شرایط زمانه تحت بیعت با طاغوت زمان خود بوده‌اند و این به اقتضای وظیفه امامت ایشان بوده است. زیرا دین و مکتب حق جز از این طریق باقی نمی‌ماند و شرایط زمان ائمه علیهم‌السلام به گونه‌ای بود که حفظ دین و مصالح مسلمین فقط با بیعت ظاهری با طاغوت امکان‌پذیر بود. البته توضیح این مطلب نیازمند مباحث تاریخی مفصلی است که از حوصله این درسنامه خارج است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین میوه درخت امامت است و وظیفه خشکاندن ریشه طاغوت و طاغوتیان را بر عهده دارد. طبق تقدیر خداوند، ایشان دین حق را با از بین بردن طاغوت و باطل زنده خواهد

نمود و دوران ایشان، زمان تقیه و حفظ دین از راه مدارا با طاغوت و بیعت با آنها نخواهد بود.

از سوی دیگر، قیام آن حضرت جز با مهیا شدن همه شرایط یک قیام جهانی آغاز نخواهد شد و اگر ایشان تا آن زمان به طور عادی زندگی کنند، ناچار می‌بایست برای حفظ دین همچون پدرانشان در پوشش بیعت با طاغوت به هدایت مردم پردازد و در هنگام مهیا شدن شرایط قیام، بیعت خویش را بشکنند. پس مصلحت الهی اقتضا می‌کرد که ایشان تا زمان قیام، در پرده غیبت به سر برند، همان‌گونه که برخی روایات نیز همین موضوع را یکی از علت‌های غیبت بیان می‌کند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

امام حسن علیه‌السلام فرمودند:

«أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ
بَيْعَةٌ لَطَاغِيَّةٍ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ
رُوحُ اللَّهِ، عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَإِنَّ اللَّهَ -
عَزَّ وَ جَلَّ - يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِنَلَا
يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ»^۱

آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست مگر اینکه زیر بیعت با ستمگر زمانش می‌باشد، جز قائم که روح الله، عیسی بن مریم، پشت سرش نماز می‌گزارد. پس به درستی که خداوند ولادتش را پنهان و شخصش را مخفی می‌سازد تا - آنگاه که قیام می‌کند - بیعت هیچکس بر گردنش نباشد.

امام علی علیه‌السلام نیز فرمودند:

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

«إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ
فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ»^۱

آن هنگام که قائم ما قیام کند، بیعت هیچ کس بر گردن او نخواهد بود و بخاطر همین است که ولادت و وجود مبارکش مخفی خواهد بود.

همچنین وجود شریف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی خطاب به اسحاق بن یعقوب در بیان علت غیبت می‌فرمایند:

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي
عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرَجُ وَ لَا بَيْعَةٌ
لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي»^۲

هیچ یک از پدرانم روزگار سپری نکرد، مگر اینکه بیعت با طاغوت زمانش بر گردنش بود. اما آن هنگام که من بیرون می‌آیم و ظهور می‌کنم، بیعت هیچ طاغوتی بر گردنم نیست.

۴. مکافات عمل

خداوند می‌فرماید:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَي قَوْمٍ
حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۳

این کیفر بخاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده است، تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها خودشان را

۱. همان، ص ۳۰۳.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۲۹۰.

۳. سوره انفال، آیه ۵۳.

تغییر دهند و خداوند شنوا و داناست.

خداوند در طول سالیان درازی نعمت امامت و رهبری الهی را به تمامی انسان‌ها مخصوصاً به مسلمانان عطا فرموده است. همان‌طور که در درسنامه‌های پیشین اشاره شد، تمامی نعمت‌های دنیوی و نظام خلقت که در اختیار انسان است، به برکت وجود امام است که نابود نمی‌شود. علاوه بر نعمت‌های دنیوی، هدایت و رسیدن به کمال نیز جز با حضور امام میسر نیست؛ پس «امام» نعمتی است که تمامی موهبت‌های مادی و معنوی وابسته به وجود اوست.

مطابق آیه شریفه هرگاه امتی بینش‌ها و عملکردهای خود را تغییر دهد و از طریق حق منحرف شود و کفران نعمت کند، خداوند هم نعمت‌هایش را در مورد آنها تغییر خواهد داد و از آنها خواهد گرفت. لذا وقتی جامعه بشری - بخصوص مسلمانان - نه تنها از برکت وجود یازده امام استفاده نکردند، بلکه به مبارزه و ظلم نسبت به آنها پرداختند و یا در مقابل ظلم ظالمان از آنها حمایت نکردند، خداوند هم این نعمت را از ایشان گرفت. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ وَ
لَكِنَّ اللَّهَ سَعَمِي خَلَقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ
إِسْرَافِهِمْ عَلَي أَنْفُسِهِمْ»^۱

بدانید که زمین از حجت الهی خالی نمی‌ماند، مگر آنکه خداوند به خاطر ستم‌پیشگی و زیاده‌روی و بدخواهی انسان‌ها نسبت به خودشان، حجت خود را از دیدگان آنها پنهان می‌کند.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

پنابر فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام علت غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که ما خود ستم‌پیشه و ظالم هستیم. البته ممکن است بگوییم در این میان تقصیر ما چیست که پدرانمان و انسان‌های پیش از ما نسبت به ائمه معصومین علیهم السلام ظلم کرده و یا در برابر ظلم از ایشان دفاعی نکرده‌اند؟ چرا ما باید کیفر گناهشان را بپردازیم؟

این سؤال دو پاسخ دارد. اول اینکه سنت الهی است که اقوام و امت‌هایی را بخاطر گناهان‌شان به عذاب‌های طولانی مدت مبتلا می‌کند؛ مانند بنی اسرائیل که در اثر نافرمانی به چهل سال آوارگی مبتلا شدند و این کیفر گریبان‌گیر نسل بعد از گناه‌کاران هم بود. در میان جوامع مختلف انسانی هم این قانون وجود دارد. ملت‌ها به خاطر نیکی‌های اجدادشان سربلند و در برابر ستم‌های پدران‌شان سرافکنده هستند. اگر نسل ملتی که به آنها ظلم شده است توانایی پیدا کنند، حق خود را از نسل کسانی که به پدران‌شان ظلم کرده‌اند، می‌گیرند و این یکی از قوانین جاری طبیعت است.

برای پاسخ دوم دوباره نگاهی به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام می‌اندازیم. آن حضرت فرمود: «خداوند به دلیل ستم‌پیشگی و زیاده‌روی انسان‌ها، آنها را از وجود حجت خود محروم می‌کند.» همان‌طور که خداوند وقتی نعمتی را به امتی عطا کند و با تغییر عملکردها و بینش‌های آنها و انحراف‌شان از راه خدا نعمت ایشان را تغییر می‌دهد، به طور طبیعی اگر آن امت به مسیر الهی بازگردند و آن تغییر را اصلاح کنند، خداوند نیز آن نعمت را باز خواهد گرداند. به بیان دیگر تا زمانی که انسان‌های عصر غیبت در رفتارهای شخصی، خانوادگی، اجتماعی و در رابطه خود و خدای خود ستمگر هستند و به خود، خانواده و جامعه ظلم

می‌کنند، زمان بهره‌مندی خود از حجت ظاهر خداوند را به تأخیر می‌اندازند. اگر انسان‌های معاصر برای چند روز رفتارهای خویش را به دقت محاسبه نمایند، درمی‌یابند که بیشتر آنان از مصداق‌های فرمایش حضرت امیر علیه‌السلام می‌باشند.

ناسازگاری محبت‌ها و عملکردها

وقتی در احوال خود و جامعه کنونی دقت کنیم، به راحتی متوجه می‌شویم که بسیاری از مردم از صمیم قلب نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محبت دارند و برای فرج ایشان بسیار دعا می‌کنند و سال‌هاست که منتظر ظهور حضرتش هستند. با وجود این چگونه می‌توان محبان و منتظران فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان سبب و علت غیبت معرفی کرد؟ البته پر واضح است که نمی‌توان به طور کلی همه انسان‌های زمانه را کسانی معرفی کرد که با عملکردهایشان مانع ظهور هستند. اما می‌توان در مورد بسیاری از آنها روایت شریفه امام محمد باقر علیه‌السلام را ذکر کرد که می‌فرمایند:

«أَنْتُمْ قَوْمٌ تُحِبُّونَا بِقُلُوبِكُمْ وَ يَخَالِفُ ذَلِكَ
فِعْلُكُمْ... وَ لِهَذَا أَسْرَّ عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ»^۱

شما مردمانی هستید که در قلب‌هایتان ما را دوست دارید ولی عملکردهای شما با دوستی‌تان سازگار نیست و بخاطر همین (ناسازگاری عملکرد و محبت قلبی) است که صاحب شما از شما مخفی شده است.

طبق این فرمایش، امت اسلام به خاطر عدم مطابقت اعمال و رفتارشان با قلب‌هایشان دچار غیبت شده‌اند، همان‌طور که مردم هم‌عصر ائمه معصومین علیهم‌السلام مردمانی شبیه ما بوده‌اند. تاریخ زندگی یک‌ایک ائمه نشان از مردمانی دارد که قلباً ایشان را دوست داشته‌اند، ولی در عمل مرد میدان نبوده‌اند. اگر کسی این تضاد بین دوستی‌ها و عملکردها را نپذیرد، می‌بایست برای خانه‌نشین شدن امیرالمؤمنین، صلح امام حسن، شهادت امام حسین و زندگی مظلومانه هشت امام پس از ایشان سلام الله علیهم اجمعین دلیل روشن دیگری بیاورد.

بی‌شک ستم‌هایی که به رهبران الهی جامعه اسلامی شده است، جز به دلیل همراهی نکردن مردمان زمانشان نبوده است. مردمی که در دل آنها را دوست می‌داشتند ولی در عمل، دست‌هایشان می‌لرزید. پس خداوند زمانی نعمت ظهور مهدی موعود را به ما عطا خواهد فرمود که عملکردمان با آنچه در قلب‌مان می‌گذرد و بر زبانمان جاری می‌شود، هماهنگ باشد.

شایان ذکر است که در روایت فوق، کسانی که در دل هیچ‌گونه محبتی نسبت به ائمه علیهم‌السلام ندارند و یا با ایشان عناد دارند، به عنوان علت عقب افتادن ظهور معرفی نشده‌اند، بلکه سبب غیبت را فقط مسلمانان و شیعیانی می‌داند که قلباً ائمه را دوست دارند، اما این محبت قلبی آنچنان در وجودشان راسخ نشده است که بر عملکردشان هم تأثیر بگذارد. بدیهی است وجود تعداد محدودی که عملکردشان با محبتشان مطابق است، برای برقراری یک حکومت جهانی کفایت نمی‌کند و این حکومت آمادگی اکثریت امت را می‌طلبد.

به هر حال امتی که زبان به یاری ائمه معصومین می‌گشایند ولی مرد میدان عمل نیستند، مورد غضب خداوند خواهند بود. امام باقر علیه‌السلام

می‌فرماید:

«إِذَا غَضِبَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلِيَّ خَلْقِهِ
نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ»^۱

هرگاه خدا نسبت به بندگانش خشمگین شود، ما را از
همسایگی آنان دور می‌سازد.

آنچه پس از دقت و تأمل در علت‌های ذکر شده به دست می‌آید، آن
است که همه علت‌ها ریشه در علت چهارم دارد و اگر علت چهارم به
عنوان یکی از علل غیبت و موانع ظهور برطرف شود، سه علت دیگر نیز
به خودی خود از میان خواهند رفت و دیگر مانعی برای ظهور حضرت
باقی نخواهد ماند. اینک با ریشه‌یابی علت‌های سه‌گانه، نسبت آنها را با
علت چهارم بررسی می‌کنیم.

تحلیلی دربارهٔ علل غیبت

تا به حال در بیان علل و فلسفهٔ غیبت، چهار علت را که در روایات به
آن اشاره شده بود، ذکر کردیم و نیز یادآور شدیم که طبق برخی روایات،
علت اصلی غیبت، رازی از رازهای خداوند است که تا بعد از ظهور ایشان
از ما مخفی خواهد بود.

با نگاه دقیق به علت‌های یاد شده در روایات می‌توان به نکات جدیدی
دست یافت. یکبار دیگر به عناوین علت‌های یاد شده دقت فرمایید:

۱. آزمون و آزمایش شیعیان ۲. حفظ جان حضرت ۳. رهایی از بیعت با
طاغوتیان ۴. مکافات عمل.

حفظ جان گرانبهای حضرت - رهایی از بیعت با طاغوتیان

بسیار واضح است که اگر مردم و شیعیان تا پای جان در کنار ائمه علیهم‌السلام می‌بودند و به حمایت دین خدا می‌پرداختند، ائمه معصومین مجبور نبودند برای حفظ اسلام و جلوگیری از قلع و قمع مسلمانان و شیعیان به بیعت با دشمنان خدا تن دهند. چرا که اگر ائمه اطهار به بیعت با طاغوت‌ها گردن نمی‌نهادند و به مبارزه مستقیم با آنها می‌پرداختند، با وجود یاوران و شیعیانی که فقط در قلب و زبان با ایشان همراهی می‌کردند و در میدان عمل حاضر نمی‌شدند، این کار نتیجه‌ای جز شهادت عده‌ای از مسلمانان و سست شدن ریشه اسلام نداشت.

همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای حفظ اساس اسلام مجبور به سکوت بود و به اجبار بیعت کرد، همه فرزندانش نیز چنین کردند. فقط امام حسین علیه‌السلام از بیعت با یزید سر باز زد، چون این بیعت باعث از بین رفتن اسلام می‌شد. از این رو قیام کرد و اسلام را از نابودی نجات داد.

پس وقتی می‌گوییم یکی از علت‌های غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف رهایی از بیعت با ستمگران زمان است، یعنی ایشان یاورانی ندارد که به حمایت بی‌دریغ از دین خدا پردازند و تا پای جان با ستمگران مبارزه کنند. در حقیقت یاوران ایشان در زمان حاضر نیز تنها با قلب و زبان به یاری می‌پردازند و در میدان کارزار گریزانند؛ همان‌طور که در زمان ائمه دیگر، دوستان بسیار در محضر آنها ابراز آمادگی برای جانبازی می‌کردند ولی در مقام عمل مردانه نمی‌ایستادند.

ستمگران تاریخ هنگامی قدرت فشار بر ائمه علیهم‌السلام و به شهادت رساندن ایشان را دارند که با توده مردم مواجه نباشند. اگر مردم مسلمان همگی پشتیبان امام زمانشان باشند و در مقابل کسی که به امامشان

توهین کند با قدرت بایستند، هیچ کس به خود جرأت صدمه زدن به امام را نخواهد داد. وقتی طاغوت‌های تاریخ تصمیم به قتل ائمه معصومین می‌گرفتند، به راحتی ایشان را به شهادت می‌رساندند و برای این کار هیچ مانعی سد راهشان نبود و می‌دانستند که از مسلمانان بخاری برنخواهد خواست. چنانچه با شهادت ائمه معصومین هیچ شورش و اعتراضی در جامعه رخ نمی‌داد. (البته همان‌طور که اشاره شد ماجرای امام حسین علیه‌السلام و شرایط زمان ایشان نسبت به ائمه دیگر متفاوت است.)

آزمایش مردم

گفتیم یکی از علت‌های غیبت، جدایی کامل گروه گنهکاران از صالحان است. روایتی را که از امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شد، دوباره بیان می‌کنیم که فرمود: «قطعاً فرج ما نخواهد رسید، مگر آن زمان که شما غربال شوید (بوسیله امتحانات) و غربال شوید و غربال شوید تا خداوند ناخالصی‌ها را محو و نابود کند و آنچه خالص و زلال است، باقی بماند.»

پس غیبت به عنوان یک امتحان می‌خواهد مردان عمل را از مردان زبان و قلب جدا کند. وقتی کسی قلب و زبانش آهنگی دارد که در مقام عمل و کارزار به آن پای‌بند نیست، یعنی ایمانش خالص نیست و نوعی نفاق در وجودش رخنه کرده است، چیزی را می‌گوید و به آن معتقد است که به آن عمل نمی‌کند. لذا امام باقر علیه‌السلام فرمود: «فرج ما نمی‌رسد مگر آن زمان که غربال شوید» و مردان خالص و زلال که حرف و عملشان یکی است، از مردان کِدر و ناخالص جدا شوند و یاران واقعی حضرت گرد هم آیند.

معلوم شد تمامی علت‌هایی که در روایات برای غیبت ذکر کرده‌اند، به

عملکردهای ناصحیح ما باز می‌گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اصلی‌ترین علت‌های غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشتن یاور است.

امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

«لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ لَقَامَ قَائِمُنَا»^۱

اگر به شماره مجاهدان جنگ بدر در میان شما یاور وجود داشت، قائم آل محمد قیام می‌کرد.

مطابق این روایت اگر تنها ۳۱۳ نفر یاور واقعی در میان ما می‌بود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کرد. بنابراین تک‌تک انسان‌های عصر غیبت به خاطر آنکه نتوانسته‌اند خود را آن گونه که شایسته یآوری مهدی موعود است مهیا نمایند، در طولانی شدن این غیبت سهیم هستند.

خودآزمایی

۱. ما از کجا می‌توانیم نسبت به علت‌های غیبت آگاهی پیدا کنیم؟
۲. اصلی‌ترین علت غیبت چیست؟
۳. علت‌هایی را که برای غیبت در روایات آمده است، بیان کنید؟
۴. چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌بایست از بیعت با طاغوت‌ها رها باشد؟
۵. جمع‌بندی علت‌های ذکر شده در روایات چه نکته‌ای را روشن می‌سازد؟

برای مطالعه بیشتر

- فصلنامه انتظار، شماره ۴.
- موعودشناسی، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.
- نگین آفرینش، جمعی از نویسندگان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).

درس سوم

برکات امامی که ناپیدا است

آنچه در این درس می خوانیم:

- بررسی نقش های امام معصوم

استواری نظام خلقت به واسطه امام

آبادانی دنیا

شناساندن حق و باطل

پاسداری از دین

اجرای احکام الهی

نظام بخشی به مسلمین

نظارت بر اعمال

هدایت به سمت خدا

- بررسی برکات وجودی امام غایب

برکات امامی که ناپیدا است

مطالب درسنامه شناخت امام (ضرورت‌های وجود امام معصوم) سوالاتی را در ذهن ایجاد می‌کند. از یک سو وجود امام معصوم را ضروری می‌دانیم و استواری زمین و آسمان و دنیا و دین را به او وابسته می‌دانیم و از سوی دیگر معتقدیم که امام معصوم زمان ما غایب است. امام غایب چگونه به وظایفی که خداوند بر دوش او نهاده است، عمل می‌کند؟!

برای یافتن پاسخ، نخست باید بدانیم جایگاه امام معصوم در زمین چیست و او چه وظایفی را بر عهده دارد. سپس به بررسی زمان غیبت پردازیم تا معلوم شود غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در انجام دادن کدامیک از وظایفش خلل ایجاد می‌کند. پس در بخش اول به وظایف امام معصوم و در بخش دوم به تأثیر غیبت بر تحقق وظایف امامت می‌پردازیم. با نگاه اجمالی به روایات می‌توان برکات وجود امام معصوم را در هشت عنوان بیان کرد:

۱. استواری نظام خلقت بواسطه امام

طبق روایات، خداوند نظام خلقت را به گونه‌ای طراحی و خلق نموده است که وجود امام معصوم از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود؛ به طوری که اگر لحظه‌ای زمین از وجود امام معصوم خالی شود، نظام موجود در آن دگرگون می‌شود، زمین به لرزه می‌افتد و اهلیش را می‌بلعد. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»^۱

اگر زمین از امام معصوم خالی شود، اهلس را فرو می‌برد.

امام باقر علیه‌السلام نیز می‌فرمایند:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ

بِأَهْلِهَا كَمَا يُمُوجُ الْبِحَارُ بِأَهْلِهِ»^۲

اگر امام معصوم برای لحظه‌ای از زمین فاصله بگیرد، زمین

همانند دریای موج، زمینیان را زیر و رو می‌کند.

و در نهایت امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ»^۳

خداوند ائمه علیهم‌السلام را رکن‌های زمین قرار داد تا

دگرگون نشود و نلرزد.

۲. آبادانی دنیا

علاوه بر آنکه وجود امام باعث استقرار نظام آفرینش می‌شود و خداوند امام را به عنوان تنها مهره اصلی در ساختار آفرینش قرار داده است آبادانی و اصلاح دنیا هم وابسته به وجود امام است.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَكُونُ إِلَّا وَفِيهَا حُجَّةٌ... وَ لَا

يَصْلَحُ الْأَرْضَ إِلَّا ذَلِكَ»^۴

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۱، حدیث شماره ۴۵۵.

۳. همان، ج ۱، حدیث شماره ۵۱۷.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵۱.

زمین هیچ‌گاه بدون وجود حجت نخواهد بود و زمین را آباد نمی‌سازد مگر وجود حجت خداوند.

و امام رضا علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ صَلَاحُ الدُّنْيَا»^۱

امامت صلاح و آبادی دنیاست.

امام سجاد علیه‌السلام نیز می‌فرمایند:

«بِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ يَخْرُجُ بَرَكَاتُ
الْأَرْضِ»^۲

باران به وسیله ما نازل می‌شود و رحمت به واسطه ما منتشر می‌شود و برکات زمین به خاطر ما خارج می‌شود.

۳. شناساندن حق و باطل

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ
يُعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ»^۳

خداوند زمین را بدون عالم (امام) نمی‌گذارد، چرا که با نبود امام، حق از باطل شناخته نمی‌شود.

یکی از برکات وجود امام، شناساندن حق از باطل است. پیراستن حق از پوشش‌های باطل، دعوت مردم به سمت حق و تبیین حلال و حرام دین

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۵.

خداوند از وظایف امام است؛ برای آنکه هر کس بخواهد به سمت خدا گام بردارد، حجتی داشته باشد.
امام رضا علیه السلام فرمودند:

«الْإِمَامُ يَجِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ»^۱

امام حلال و حرام خداوند را بیان می کند.

۴. پاسداری از دین

امام نمی گذارد چیزی به دین اضافه و یا از آن کم شود. از انحرافها در میان دینداران جلوگیری و در برابر ستمگران و کافران از دین دفاع می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا فِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا إِنْ زَادَ
الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهُمْ وَ إِنْ تَقَصَّرُوا شَيْئاً أْتَمَّهُ
لَهُمْ»^۲

هیچگاه زمین از وجود امام خالی نخواهد بود تا هرگاه مؤمنان چیزی بر دین افزودند، آن را جدا سازد و اگر چیزی از آن زدودند، آن را حفظ کند.

امام رضا علیه السلام در همین باره می فرمایند:

«الْإِمَامُ ... يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ...»^۳

امام از دین خدا پاسداری و حمایت می کند.

۱. همان، ج ۱، حدیث شماره ۵۱۹.

۲. همان، ج ۱، حدیث شماره ۴۴۵.

۳. همان، ج ۱، حدیث شماره ۵۱۹.

۵. اجرای احکام الهی

پس از بیان دستورهای الهی و پاسداری از آن، در مرحله سوم، امام احکام الهی را به اجرا درمی آورد. امام رضا علیه السلام فرمود:

«الْإِمَامُ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ»^۱

امام احکام و حدود الهی را اجرا می کند.

۶. نظام بخشی به جامعه مسلمین

با رهبری امام، جامعه مسلمین ساماندهی می شود و هر چیز و هر کس در جایگاه خودش قرار می گیرد. بدین صورت، مسلمین به بالاترین قله های عزت دست می یابند که این مهم در پرتو اجرای دقیق احکام الهی تحقق می یابد.

امام علی علیه السلام فرمود:

«الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ»^۲

امامت نظام و سامان دهنده امت است.

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ... نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ... عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ»^۳

امامت مایه ساماندهی مسلمانان و موجب عزت مؤمنان است.

۷. نظارت بر اعمال

روزی یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام به ایشان عرض می کند:

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، حدیث شماره ۵۱۹.

۲. غرر الحکم، حدیث شماره ۱۰۹۵.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

«برای من و خانواده‌ام دعا بفرمایید.» امام می‌فرمایند: «مگر این کار را نمی‌کنم؟ به خدا قسم اعمال شما در شب و روز به من گزارش می‌شود.»^۱

از آیات و روایات بسیاری به دست می‌آید که امام معصوم شاهد بر اعمال امت خود است و اعمال آنها به خدمت ایشان گزارش می‌شود. در برخی روایات نیز آمده است که امام معصوم با دیدن اعمال خیر در نامه‌ی اعمال شیعیان برایشان دعا می‌کند و به‌خاطر گناهان ایشان برایشان استغفار می‌نماید.

بررسی برکات وجود امام در عصر غیبت

مواردی که در قسمت پیشین بیان شد، قطعاً بخشی از برکات امام معصوم است که هر کدام هم نیازمند مباحث مفصلی است که البته از دایره‌ی اهداف این درسی خارج است. آنچه اکنون ما در جستجوی آن هستیم، آن است که غیبت امام معصوم در چه وسعتی در ایفای نقش‌های حیاتی‌ای که به امام محول شده است، خلل وارد می‌کند.

لطفاً به وظایفی که گفته شد، نگاهی دوباره بیاندازید و در مورد هر کدام قدری تأمل کنید، که آیا برای تحقق و انجام آنها لازم است امام معصوم ظاهر باشد و آیا در حال غیبت نمی‌تواند آن نقش را ایفا کند؟

بدیهی است که برای موارد اول و دوم، ظاهر بودن امام ضروری نیست، بلکه صرف وجود امام معصوم برای تحقق آن اهداف و برکات کافی است، زیرا در بحث‌های گذشته معلوم شد که غیبت به‌معنای ناپیدایی امام است، نه آنکه اساساً امام بر روی زمین وجود نداشته باشد.

با دقت در موارد سوم و چهارم نیز درمی‌یابیم که آنچه بر عهده‌ی امام

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب عرض الاعمال علی الائمه، ح ۴.

گذاشته شده است، شناساندن حق و باطل و دعوت به حق و جلوگیری از انحرافها و پاسداری از دین است. اما این به این معنا نیست که خود امام به طور مستقیم و بدون واسطه باید به این امر بپردازد. اصلاً به طور عادی امکان ندارد که امام معصوم در تمامی گستره عالم اسلامی به طور مستقیم و بدون واسطه، این وظیفه را انجام دهد. با مراجعه به تاریخ ائمه معصومین علیهم السلام هم می بینیم که ایشان شاگردانی تربیت می کرده اند و آنها را برای شناسایی حق از باطل و دعوت حق و جلوگیری از انحرافها به مناطق مختلف عالم اسلامی اعزام می کرده اند. مثلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از پیمان عقبه دوم، مصعب بن عمیر را برای تعلیم قرآن و احکام اسلامی به مدینه فرستاد.^۱ از ائمه علیهم السلام هم موارد بسیاری از این قبیل در تاریخ ثبت شده است.

گذشته از این، گاه ائمه علیهم السلام در زمانی هم که خودشان می توانستند به طور مستقیم این وظیفه را انجام دهند، آن را به شاگردانشان واگذار می کردند و این اتفاق در زمان امام صادق علیه السلام بسیار افتاده است. برای مثال در روایاتی آمده است که مردی از اهالی شام به امام صادق علیه السلام گفت: «من در فقه و کلام و واجبات و... استاد هستم و برای مناظره آمده ام.» حضرت برخی از شاگردان شان را که در علم کلام مهارت داشتند، جمع کردند و دستور فرمودند تا یک به یک با او مناظره کنند و همگی در مناظره پیروز شدند.^۲

در این روایت و روایات بسیار دیگر، ائمه اطهار علیهم السلام به جای اینکه خود شخصاً وارد عمل بشوند، شاگردانشان را به این کار امر می فرمودند.

۱. سبحانی جعفر، فرازهایی از تاریخ اسلامی، حج و زیارت، ص ۱۸۲.

۲. کافی، باب اضطرار الی الامام، حدیث ۴.

از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که برای ایفای نقش سوم و چهارم امام معصوم (شناساندن حق و باطل و جلوگیری از انحرافها در دین) حضور و دخالت مستقیم خود امام ضروری نیست، بلکه امام می‌تواند این وظیفه را بر عهده کسانی بگذارد که صلاحیت آن را پیدا کرده‌اند؛ به این صورت که امام می‌تواند مقدمات تربیت کسانی را که صلاحیت انجام این وظایف را داشته باشند فراهم کند. راجع به اینکه در عصر غیبت این وظایف به عهده چه کسانی گذاشته شده است در بخش‌های بعد سخن خواهیم گفت.

و اما در مورد نقش‌های پنجم و ششم (اجرای احکام و نظام‌بخشی جامعه) باید گفت که برای تحقق آنها نیازمند تشکیل حکومت توسط امام معصوم هستیم، چرا که اجرای تمام حدود الهی و ساماندهی کامل امور مسلمین، به نحوی که همه مسلمانان با عزت زندگی کنند، جز در سایه یک حکومت محقق نمی‌شود. همان‌طور که بیشتر ائمه علیهم السلام که امکان تشکیل حکومت را نداشته‌اند، موفق به ایفای این دو نقش نشده‌اند. اما ایفای این دو نقش که برای احیای دین و جامعه مسلمین بسیار حیاتی و ضروری است، جز با وجود تمام شرایط آن محقق نمی‌شود. پس اگر در زمان غیبت، این دو وظیفه انجام نشده به خاطر غیبت امام نیست، بلکه بخاطر نبودن شرایط تحقق آن است. اگرچه در زمان غیبت هم می‌توان به بخشی از این اهداف دست پیدا کرد.^۱

در مورد نقش هفتم گفته شد که اعمال انسان‌ها در زمان‌های خاصی خدمت امام معصوم ارائه می‌شود و ایشان همچون پدری که کارنامه فرزندش را می‌نگرد، به بررسی نامه اعمال شیعیان و مسلمانان می‌پردازد

۱. به چگونگی و گستره تحقق این هدف در زمان غیبت، در فصل پایانی درسنامه اشاره

می‌شود.

و روشن است که ارائه اعمال بندگان به امام معصوم، وابسته به حضور ظاهری او نیست، بلکه اصلاً فرقی بین ظهور و غیبت امام معصوم در این قضیه نیست.

از آنچه گفته شد دانستیم که در بیشتر وظایف امام، ظهور ایشان ضروری نیست، بلکه در حال غیبت هم ایفای آن نقش‌ها ممکن است و تنها در برخی از موارد بود که حضور ظاهری امام ضروری می‌نمود. پس معلوم شد که غیبت امام خللی در شؤون امامت و وظایف آن وارد نمی‌کند. در روایتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره کیفیت استفاده مردم از امام غایب در زمان غیبت فرمودند:

«أَمَّا وَجْهُ الْإِنْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْفَاعِ
بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۱

چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم، همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آنگاه که در پس ابر از دیدگان پنهان شده است.

خودآزمایی

۱. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود درباره چگونگی بهره‌مندی مردم از ایشان در زمان غیبت چه فرموده‌اند؟
۲. بررسی جایگاه امام معصوم چه ارتباطی به بحث برکات و فواید امام غایب دارد؟
۳. منظور از هدایت تکوینی و تشریحی چیست؟
۴. حداقل چهار مورد از مسئولیت‌های امام معصوم را نام برده و توضیح دهید.
۵. غیبت در کدام یک از وظایف امامت خلل ایجاد می‌کند؟ توضیح دهید.

برای مطالعه بیشتر

- عصاره خلقت، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم.
- آفتاب ولایت، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم.

درس چهارم چگونگی غیبت

آنچه در این درس می خوانیم:

- آماده سازی روحی

- آماده سازی علمی

- کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

- تقویت نهاد و کالت

- غیبت صغری

- تفاوت های غیبت صغری و کبری

- نصب نواب اربعه

- ملاک در نصب نواب اربعه

- ارتباط شیعیان با نواب

- وظایف نواب

چگونگی غیبت^۱

از آنچه تاکنون بیان شده، معنای غیبت، پیشینه غیبت، چرائی آن و فواید امام ناپیدا را دریافتیم. حال می‌خواهیم بدانیم روند اتفاق افتادن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه صورت بوده است. آیا جامعه اسلامی به یکباره و بدون آمادگی قبلی از وجود ظاهری امام محروم شده است؟ در این صورت می‌بایست شوک عظیمی به جامعه اسلامی و شیعه وارد و سرگردانی و حیرت عجیبی بر مسلمانان حاکم شده باشد. یا اینکه جامعه اسلامی و شیعی آمادگی لازم را برای موقعیت جدید داشته است؟ حال اگر چنین بوده، این آمادگی در چه حد و به چه نحو حاصل شده بود؟

تصور کنید پدری دارای فرزندان بسیاری باشد که هنوز به حد رشد و کمال نرسیده‌اند. در صورت فقدان ناگهانی پدر، موقعیت نخست پیش می‌آید؛ یعنی فرزندان دچار سرگردانی و حیرت شدیدی می‌شوند. اما اگر فرزندان نسبت به فقدان پدر آمادگی پیدا کرده باشند، این آمادگی در دو سطح قابل تصور است. گاهی فقط می‌دانند تا چند روز دیگر پدر از دنیا خواهد رفت. در این صورت از نظر روحی برای فقدان پدر آمادگی دارند، اما بعد از فقدان پدر در رویارویی با مشکلات زندگی و رفع نیازمندی‌هایشان، متحمل سختی‌های بسیاری خواهند شد. حال اگر پیش

۱. عمده مباحث این فصل از کتاب تاریخ عصر غیبت گرفته شده که در برخی پانوشته‌ها به آن اشاره شده است.

از فقدان پدر، حداقل برای مدتی به خاطر مسافرت و یا مریضی پدر، برخی کارها به دوش فرزندان گذاشته شود، در این صورت علاوه بر آمادگی روحی، آمادگی عملی و اجرایی هم کسب شده و فرزندان بعد از مرگ پدر مشکلات کمتری خواهند داشت.

اینک سؤال این است که جامعه اسلامی برای غیبت امام تا چه اندازه آمادگی داشته است؟

آماده‌سازی روحی

مسأله مهدویت و غیبت آخرین حجّت خداوند در بین مسلمانان به خصوص شیعیان مسأله‌ای آشنا بوده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همه ائمه علیهم السلام نسبت به مسأله غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات بسیاری در کتب روایی نقل شده است. از این حجم وسیع روایات دانسته می‌شود که ائمه علیهم السلام ذهن شیعیان را نسبت به مسأله غیبت از پیش آماده کرده بودند و جامعه اسلامی با اطلاع از وقوع غیبت، از نظر روحی کاملاً آماده چنین وضعیتی بوده است. ما برای رعایت اختصار از ذکر روایات خودداری می‌کنیم و علاقمندان را به کتاب درسنامه «تاریخ عصر غیبت» ارجاع می‌دهیم.

آماده‌سازی عملی

از میان ائمه امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در هر دو جهت آماده‌سازی روحی و عملی فعالیت کرده‌اند. این دو بزرگوار در راستای آماده‌سازی روحی، نزدیک شدن به زمان غیبت را به شیعیان گوشزد و در برخی موارد به جزئیات غیبت هم اشاره می‌فرمودند. مثلاً امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی زمان دقیق شروع غیبت را هم

بیان می‌فرمایند.^۱ در راستای آماده‌سازی عملی نیز برخی فعالیت‌های ایشان عبارت بود از:

۱. کاهش ارتباط مستقیم با شیعه

این دو امام به تدریج حضور خود را در جامعه کم‌رنگ کردند. در برخی از کتب تاریخی آمده است که: «امام هادی علیه‌السلام از بسیاری از دوستان خود به جز معدودی از خواص دوری می‌گزید و زمانی که امر امامت به امام حسن عسکری علیه‌السلام منتقل شد، آن حضرت از پس پرده با خواص و غیر آنان سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که به قصد خانه سلطان از منزل خارج می‌شد.»^۲

این دو امام بزرگوار به علت محدودیت‌هایی که خلفای عباسی برایشان ایجاد کرده بودند، در پادگان نظامی سامرا تحت کنترل حکومت عباسی بودند و از این جهت هم در بسیاری موارد، شیعیان از ارتباط مستقیم با ایشان محروم بودند.

۲. تقویت نهاد وکالت

زمانی که امام معصوم در جامعه حضور مستقیم نداشته باشد، طبیعتاً می‌بایست انجام برخی کارها را به دیگران محول کرد. همچنین با توجه به اهمیت هر کاری باید شخص مورد نظر دارای صلاحیت‌هایی باشد و امام معصوم با تشخیص آن صلاحیت‌ها، کارها را به تناسب به افراد مختلف واگذار کند. در این نوشتار به این افراد «وکیل» می‌گوییم. اما مسأله به همین جا ختم نمی‌شود، چرا که در جامعه می‌بایست

۱. ن.ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. تاریخ عصر غیبت، گروه نویسندگان، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳ و....

فرهنگ مراجعه کردن به وکلا ایجاد شود. تا پیش از این، مردم در امور دینی و دنیایی خویش به امام معصوم مراجعه می‌کردند و می‌دانستند که او فرستاده خدا است و در گفتار و کردارش خطا و اشتباه نخواهد کرد. ولی حالا در فرض ناپیدایی امام، باید به جای امام معصوم به سفیر و وکیل ایشان مراجعه کنند، وکلایی که از عصمت برخوردار نیستند و احتمال اشتباه در مورد آنها وجود دارد. ولی با وجود این، به دستور امام معصوم باید به آنها مراجعه و به حرف‌هایشان همچون دستورهای امام معصوم عمل کنند. برای ایجاد این فرهنگ باید از مدت‌ها قبل از زمان غیبت، اقدامهای فرهنگ‌ساز را آغاز کرد؛ کاری که ائمه به خوبی انجام دادند.

امام صادق علیه‌السلام نهاد وکالت را تشکیل دادند و تعدادی وکیل و نماینده به شهرهای شیعه‌نشین دور و نزدیک فرستادند تا به عنوان رابط بین شیعیان و امام عمل کنند و وظایفی را که از طرف امام بر عهده ایشان گذاشته شده بود، انجام دهند. در زمان امام کاظم علیه‌السلام این نهاد وسیع‌تر و منسجم‌تر شد و تا زمان امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام ادامه پیدا کرد. تا اینکه در زمان غیبت صغری به بالاترین درجه خود رسید، زیرا دیگر امام معصوم حضور ظاهری نداشت و تنها راه ارتباط شیعه با ایشان از طریق وکلا بود.

البته به غیر از آماده‌سازی شیعه برای عصر غیبت، عوامل دیگری هم برای تشکیل نهاد وکالت از طرف ائمه علیهم‌السلام وجود داشت که یکی از اساسی‌ترین آنها لزوم ارتباط بین رهبران شیعه و شیعیان بود. همان‌طور که پیش از این هم به آن اشاره شد، در گستره جامعه اسلامی بسیاری به علت دوری مسافت و یا عوامل دیگر امکان ارتباط مستقیم با امام را نداشتند و لذا می‌بایست بواسطه افراد مورد اعتماد این رابطه برقرار شود.

علاوه بر آنکه جو خفقان در دوران خلفای عباسی و سخت‌گیری‌هایی که آنان نسبت به شیعیان و امامان داشتند، تشکیل چنین نهادی را اقتضا می‌کرد تا ارتباط امام و شیعیان حفظ شود. البته همان‌طور که گفته شد، علاوه بر این موارد، نهاد وکالت در جهت آماده‌سازی جامعه شیعی برای عصر غیبت تأثیر بسزایی داشت.

غیبت صغری (ناپیدایی کوتاه‌مدت)

معتد عباسی از محبوبیتی که امام حسن عسکری علیه‌السلام در اجتماع داشت، می‌ترسید و به همین دلیل نسبت به ایشان و شیعیان سخت‌گیری می‌کرد. خانه حضرت را تحت کنترل شدید قرار داده بود، به طوری که شیعیان نمی‌توانستند آزادانه با امام ارتباط داشته باشند. حکومت عباسی در صدد بود که اگر از امام عسکری علیه‌السلام فرزندی متولد شود، آن را از بین ببرد. به خاطر همین جو خفقان، ایشان بیشتر از ائمه دیگر از سیاست تقیه استفاده می‌فرمود. از جمله اقدامات احتیاط‌آمیز ایشان مخفی نگه داشتن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که فقط به تعدادی از شیعیان خاص، آن حضرت را نشان داده بودند. البته معتد عباسی هرچه بیشتر نسبت به امام و شیعیان سخت‌گیری می‌کرد، با نفوذ معنوی هرچه بیشتر امام علیه‌السلام در بین جامعه مواجه می‌شد. لذا کم‌کم نگران و وحشت‌زده شد و امام را مسموم کرد و به شهادت رساند.

با شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام شهر سامرا به حالت تعطیل درآمد. تمامی بازارها و ادارات دولتی تعطیل شد و مردم دسته‌دسته به طرف خانه امام روانه شدند و جمعیت زیادی جنازه را تشییع کردند. «عثمان بن سعید»، وکیل امام حسن عسکری علیه‌السلام، غسل و کفن و دفن ایشان را بر عهده داشت. هنگام خواندن نماز بر پیکر حضرت، جعفر،

برادر امام حسن عسکری علیه السلام، می خواست بر ایشان نماز بخواند که ناگهان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف آوردند و فرمودند:

«تَأَخَّرْ يَا عَمَّ، فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي»^۱

عمو! عقب بایست، من شایسته ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از نماز بر پیکر پدر بزرگوارش وارد منزل شد و دیگر کسی ایشان را در اجتماع و در جمع مردم ندید و این آغاز غیبت صغری بود؛ یعنی سال ۲۶۰ هجری قمری. مدت زمان غیبت صغری تقریباً ۷۰ سال بود؛ یعنی تا سال ۳۲۹ هجری قمری و از آن سال تا اکنون و تا هر زمانی که خداوند بخواهد، غیبت کبرای آن بزرگوار به شمار می آید.

تفاوت‌های غیبت صغری و کبری

۱. زمان غیبت صغری محدود بوده است ولی مدت زمان غیبت کبری را کسی جز خداوند نمی داند.
۲. در دوره غیبت صغری امام علیه السلام به طور کلی از دیده‌ها پنهان نبوده است، برخلاف غیبت کبری.
۳. در غیبت صغری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق چهار وکیل که توسط خود ایشان به ترتیب منصوب می شدند، با مردم ارتباط داشتند ولی در غیبت کبری، حضرت شخص خاصی را به عنوان وکیل منصوب نفرموده‌اند.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۵۷.

نصب نواب چهارگانه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دوران غیبت صغری چهار نفر از شیعیان خاص خود را یکی پس از دیگری به سمت نایب خاص معرفی کردند. این بزرگواران عبارت بودند از: ۱. عثمان بن سعید عمری ۲. محمد بن عثمان ۳. حسین بن روح نوبختی ۴. علی بن محمد سمري که در ادامه شرح حال مختصری از هر یک ذکر می‌شود.

عثمان بن سعید (قُدَسَ سِرُّهُ)

ایشان به مدت ۱۰ سال وکیل امام هادی علیه‌السلام بود و سپس وکیل امام حسن عسکری علیه‌السلام شده و در آخر هم به عنوان اولین نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منصوب شد.

بنا به روایتی امام حسن عسکری علیه‌السلام جانشین خود، یعنی وجود شریف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به ۴۰ نفر از شیعیان مورد اعتماد نشان داد و به ایشان فرمود که پس از این دیگر قادر به دیدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواهند بود. سپس دستور دادند که در طول غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از «عثمان بن سعید»، نماینده ایشان، اطاعت کنند. به همین جهت پس از رحلت امام حسن عسکری علیه‌السلام، عثمان بن سعید کارهای مربوط به غسل و کفن و دفن ایشان را بر عهده داشت.

محمد بن عثمان (قُدَسَ سِرُّهُ)

وی دومین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بعد از پدرش، عثمان بن سعید، به دستور حضرت به این سمت منصوب شد. ایشان دو ماه قبل از مرگش، توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

الشریف از زمان آن مطلع شد و برای خود قبری آماده کرد و در روز مشخص شده از دنیا رفت.

حسین بن روح نوبختی (قُدَسَ سِرُّهُ)

حسین بن روح سومین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود که از طرف حضرت جانشین محمد بن عثمان شد. وی ۲۱ سال نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و پس از رحلتش، در بغداد به خاک سپرده شد که آرامگاه وی هم‌اکنون زیارت‌گاه شیعیان است. ایشان به دستور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وصیت کردند که آخرین نایب خاص ایشان «علی بن محمد سمري» خواهد بود.

علی بن محمد سمري (قُدَسَ سِرُّهُ)

ایشان شوهرخواهر وزیر عباسیان بود و همین رابطه به او کمک کرد تا در دستگاه عباسی جایگاه خوبی داشته باشد. شش روز قبل از وفاتش از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توقیعی خطاب به ایشان صادر شد که در آن آمده بود: «به نام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس امر حساب و کتاب خود را مرتب کن و درباره جانشینی این مقام نیابت به هیچ کس وصیت نکن که بجای تو بنشینند. زیرا غیبت دوم فرا رسیده است و دیگر تا آن روزی که خداوند بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن زمان، پس از مدت درازی خواهد بود که دل‌ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم و بیداد پر شود...»^۱

۱. گروه نویسندگان، تاریخ عصر غیبت، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰.

ایشان در پانزدهم شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت و از این تاریخ، ارتباط با حضرت از طریق نواب خاص به پایان رسید و دوره غیبت کبری آغاز شد.

ملاک در نصب نواب اربعه

در زمان غیبت راه ارتباطی شیعیان با امام علیه السلام نواب بودند. قطعاً کسی که نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رابط بین امام معصوم و مردم است، می‌بایست دارای خصوصیت‌های ویژه‌ای باشد که لایق چنین اعتمادی شده است. برخی از این خصوصیت‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. رازداری

حسین بن روح چنان رازدار بود و تقیه می‌کرد که علمای اهل تسنن او را از خود می‌دانستند و در شمار علمای خود به حساب می‌آوردند. ایشان در راه حفظ تقیه و رعایت احتیاط، حتی یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن کرده بود، اخراج کرد.

روزی حسین بن روح در جلسه‌ای خلفای راشدین را از روی تقیه به نیکی یاد کرد. این سخن او باعث تعجب یکی از دوستانش شد و ناخواسته از این کلام حسین بن روح به خنده افتاد. ایشان بعد از آن جلسه به دوستش اخطار کرد که «چرا در مجلس خندیدی؟! چه بسا این‌گونه برخوردها روش تقیه را با خطر مواجه کند.»

عثمان بن سعید، نایب اول امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز که تلاش می‌کرد از بازرسی‌های رژیم عباسی دور بماند، در هیچ بحث و مجادله مذهبی و یا سیاسی به صورت آشکار شرکت نمی‌کرد.

۲. شکنجایی و مقاومت

در شرایطی که خلفای عباسی به شدت به دنبال فرزند امام حسن عسکری علیه السلام یعنی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند تا وی را به شهادت برسانند، نواب می‌بایست بسیار دقت می‌کردند و در برابر فشارها ضعف و سستی از خود نشان نمی‌دادند. عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند که چرا تو نایب خاص حضرت نشدی و به جای تو «حسین بن روح» به منصب نیابت رسیدی؟ او در پاسخ گفت: «آنان (ائمه علیهم السلام) بهتر از همه می‌دانند چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت‌وآمد دارم و با آنان مناظره می‌کنم. اگر آنچه را که حسین بن روح درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند من می‌دانستم، شاید آنگاه که در بحث‌هایم با دشمنان، جدال و لجاجت را می‌دیدم، می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام علیه السلام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر حسین بن روح، امام را زیر عبای خود هم پنهان کرده باشد، حتی اگر بدنش را با قیچی قطعه‌قطعه کنند تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند و امام را نشان نخواهد داد.»

۳. عاقل‌ترین، فهمیده‌ترین و زیرک‌ترین

طبق برخی روایات یکی از ویژگی‌های نایبان خاص، درایت و زیرکی ایشان است.

۴. بدون حساسیت از طرف حکومت

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در انتخاب نایبان از افرادی استفاده می‌کرد که در دستگاه عباسی نسبت به آنها حساسیتی نباشد، چرا که

مسئولیت آنها بسیار مهم و فوق سَری بود. مثلاً عثمان بن سعید و پسرش، محمد بن عثمان، هر دو روغن فروش بودند و در پوشش روغن فروشی کارهای مربوط به وکالت را انجام می دادند و اصلاً حکومت وقت به ذهنش نمی رسید که آنها نایب خاص باشند. نایب سوم هم که از خاندان نوبخت بود و با دربار در ارتباط بود، نفوذ خوبی داشت و کسی گمان نمی برد که او با مهدی علیه السلام در ارتباط است.

ارتباط شیعیان با نواب

چنانچه گفته شد در دروه غیبت صغری ارتباط شیعیان با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با واسطه نواب برقرار می شد و کارهای امامت با دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط نواب به انجام می رسید. در اینجا سؤال این است که ارتباط شیعیان با نواب به چه صورت بوده است؟

در ابتدای عصر غیبت صغری ارتباط با نواب، با واسطه و غیرمستقیم بود؛ به این صورت که نایب خاص امام در شهرهای مختلف نماینده داشت و چه بسا آن نمایندگان هم نماینده هایی در مناطق دورتر منصوب می کردند. بدین صورت یک سازمان به شکل «هرم» تشکیل شده بود که نایب خاص به عنوان رأس هرم بود و نمایندگان وی به عنوان «بدنه هرم» و مردم با واسطه نمایندگان با نایب خاص حضرت ارتباط برقرار می کردند.

البته این به خاطر ظلم و خفقان حاکم بر جامعه شیعی آن زمان بود که اجازه فعالیت آشکار و آزادانه را به ایشان نمی دادند. در ابتدای غیبت، مردم و حتی عالمان برجسته شهرستان ها از جانشین و سفیر و نایب خاص حضرت اطلاعی نداشتند و یک حالت سرگردانی در جامعه پدید

آمده بود. کم کم مردم به صورت پنهانی از طریق نمایندگان با نایب خاص آشنا شدند و به مرور نام و نشانی وکیل امام را از نمایندگان گرفتند و توانستند به طور مستقیم با نواب ارتباط برقرار کنند. این ارتباطها که به طور شفاهی صورت می گرفت، گاه با پاسخهای کتبی امام همراه بود.

مسئولیت‌های نواب اربعه

موارد زیر برخی از وظایفی است که برای نواب اربعه ذکر شده است:

۱. زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲. حفظ امام علیه السلام از راه پنهان نگه داشتن نام و مکان آن حضرت
۳. سازمان دهی و سرپرستی سازمان و کالت
۴. پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات عقیدتی
۵. اخذ و توزیع اموال مربوط به امام
۶. مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و افشای ادعاهای باطل آنان
۷. مبارزه با وکلای خائن
۸. آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری

خودآزمایی

۱. جامعه اسلامی برای غیبت امام به چه آمادگی‌هایی نیازمند است؟
۲. ائمه شیعه برای ایجاد آمادگی در شیعیان چه اقداماتی را انجام داده‌اند؟
۳. تفاوت‌های غیبت صغری و کبری در چیست؟
۴. دو ملاک از ملاک‌های نصب نواب اربعه را شرح دهید.
۵. ضرورت‌های نهاد و کالت را توضیح دهید.

برای مطالعه بیشتر

- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، انتشارات امام صادق (ع)، قم.
- درسنامه تاریخ عصر غیبت، گروهی از نویسندگان، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
- فصلنامه انتظار، شماره‌های ۱ تا ۵.

درس پنجم

غیبت کبری

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- نیابت عامه در غیبت کبری

- آسیب‌های غیبت

- ادعای ارتباط خاص

- دیدارگرایی

- روزمرگی

غیبت کبری (ناپیدایی درازمدت)

دوره غیبت کبری نسبت به تمامی دوران‌های پیش از آن متفاوت است. تا قبل از غیبت کبری، یا امام معصوم در میان مسلمانان و شیعیان حضور داشتند و یا اینکه یک نایب و نماینده خاص از طرف امام منصوب شده بود تا محل مراجعه مردم باشد. اما با آخرین توقیع حضرت به علی بن محمد سمری و اعلام شروع غیبت کبری، دیگر هیچ نایب و سفیر مشخصی از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معین نشده است.

با این شرایط دو سؤال در ذهن ایجاد می‌شود:

الف - در دوره غیبت کبری مردم چگونه با امام خویش ارتباط خواهند داشت؟

ب - وظایف و مسئولیت‌های امام معصوم چگونه انجام می‌شود؟
در مورد سؤال اول، ابتدا باید معلوم شود که منظور ما از ارتباط چیست؟ اگر منظور ارتباط روحی است، همان‌طور که قبلاً هم به آن اشاره کردیم، با غیبت حضرت حجت در این گونه ارتباط هیچ گونه خللی وارد نمی‌شود؛ یعنی ما (و اعمال و رفتار ما، حتی افکار و اندیشه‌های ما) همیشه محضر حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم و ایشان همیشه نسبت به ما توجه دارند و اگر خطاب به ایشان کلامی بگوییم و با ایشان صحبت کنیم، حتماً می‌شنوند و پاسخ می‌دهند. این از مسلمات فرهنگ شیعه است. با توجه به منابع مورد اعتماد شیعی حتی ائمه معصومی هم که به شهادت رسیده‌اند، نسبت به شیعیان رابطه

مستقیمی دارند. در اذن دخول حضرت امام رضا علیه السلام می خوانیم:

«وَ أَعْلَمُ أَنَّ خُلَفَاكَ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ
مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ
أَنَّكَ حَجَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ
فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ»^۱

پروردگارا! می دانم که جانشینان تو در پیشگاهت زنده هستند
و از روزی های تو بهره می برند و جایگاه مرا می بینند و صدایم
را می شنوند و حتی سلامم را جواب می دهند....

این کلام در مورد امامان شهید ذکر شده است تا چه رسد به امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف که امام حاضر و حجت زمانه ماست. پس ارتباط
قلبی و روحی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت هیچ
محدودیتی ندارد. اما ارتباط ظاهری چگونه است؟ یعنی ارتباط از جهت
برطرف کردن نیازهای علمی و اجرایی جامعه مسلمین. این نوع ارتباط
به کیفیت تحقق مسئولیت های امام معصوم مربوط می شود؛ پس به پاسخ
سؤال دوم می پردازیم: «در زمان غیبت مسئولیت و وظایف امام چگونه
انجام می شود؟»

در بخش فواید امام غایب دانستیم که غیبت، مانع از انجام دادن
مسئولیت های امامت نمی شود، زیرا بخشی از مسئولیت ها را خود امام
مستقیماً بر عهده دارد و بخشی دیگر را به افراد لایق واگذار می کند،
همان طور که در دوران ائمه پیشین - که ظاهر بودند و غیبتی نداشتند -
نیز امور به همین صورت بوده است. در اینجا مهم این است که بدانیم در
دوران غیبت کبری که فرد خاصی با نام و نشان مشخص برای نیابت

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۱.

معرفی نشده است، چه کسی عهده‌دار وظایف امامت است؟
 ائمه معصومین و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای دوران غیبت کبری بجای معرفی شخص خاصی به عنوان نایب، به بیان ویژگی‌های کسانی که صلاحیت نیابت دارند، پرداختند. بدین ترتیب در هر عصری مردم با توجه به آن ویژگی‌ها کسانی را که واجد صلاحیت‌های نیابت هستند، شناسایی و به ایشان مراجعه می‌کنند. او نیز مسئولیت بخشی از وظایف امام را در جامعه بر عهده می‌گیرد. بنابراین جامعه شیعی برای شناخت نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید شخصی را بیابد که آن شرایط را دارا باشد.

البته ممکن است در یک زمان، افراد متعددی دارای شرایط نیابت باشند که در آن صورت هر کدام که بنابر موقعیت خود و جامعه این مسئولیت را بپذیرد، نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.
 دوباره تأکید می‌کنیم که در دوران غیبت کبری هیچ‌گاه شخص خاص با اسم و مشخصات معین به عنوان نایب تعیین نشده است. لذا دیگر «نایب خاص» معنا ندارد و نیابت در عصر غیبت کبری «نیابت عام» است. ضمناً معلوم است که نایب عام همچون نایبان خاص، با حضرت ارتباط مستقیم ندارد.

روایاتی که به بیان شرایط این نیابت پرداخته‌اند، بسیار هستند که در کتب فقهی تحت عنوان «ولایت فقیه» مطرح شده و در این زمینه کتاب‌های مستقلی هم به چاپ رسیده است. با توجه به آنکه بحث از روایات از مباحث تخصصی علم فقه و از ظرفیت این نوشتار خارج است، از ذکر تفصیلی آنها خودداری می‌کنیم و تنها برای نمونه به برخی از آنها نگاهی گذرا می‌اندازیم.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي»

خداوندا! جانشینان مرا رحمت فرما.

و این جمله را سه بار تکرار فرمودند. از ایشان پرسیده شد که جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود:

«الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي يَرَوُونَ حَدِيثِي فَيَعْلَمُونَهَا
النَّاسَ مِنْ بَعْدِي»^۱

کسانی که بعد از من می‌آیند و احادیث و روایات مرا نقل می‌کنند و کلام و سنت مرا به مردم می‌آموزند.

امام کاظم علیه‌السلام نیز فرمودند:

«... أَلْفُقَهَاءُ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ
الْمَدِينَةِ لَهَا»^۲

فقها دژهای اسلام هستند و برای اسلام نقش حصارهای اطراف شهر را ایفا می‌کنند (حصارهایی که از شهر در مقابل خطرها محافظت می‌کنند).

همان‌طور که در بحث فواید امام غایب گفته شد، یکی از اساسی‌ترین وظایف امام، پاسداری از دین است که در این روایت نیز دانشمندان دین‌شناس به عنوان پاسداران دیانت معرفی شده‌اند. چنانکه در حدیث نخست، دانشمندان دین‌شناسی که با استفاده از روایات، دین را شناخته‌اند و به مردم منتقل می‌کنند، جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۳، ح ۳۳۲۹۸.

۲. همان.

در اینجا به عنوان آخرین روایت، قسمتی از توقیعی را که از محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ به سؤالات یکی از شیعیان صادره شده است، ذکر می‌کنیم:

«... أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱

در این توقیع، سؤال‌کننده در قسمتی از سؤالاتش می‌پرسد که در پیشامدهای اجتماعی و گرفتاری‌هایی که برای جامعه شیعی پیش می‌آید، چه کنیم؟ امام علیه‌السلام در جواب می‌نویسند:

«در این‌گونه حوادث به راویان (و کارشناسان) احادیث ما مراجعه کنید، چرا که آنها حجت من بر شما هستند (یعنی تبعیت از آنها تبعیت از من است) و من نیز حجت خدا بر آنان هستم (یعنی تبعیت از من تبعیت از خداست).»

شیعیان در زمان ظهور امام معصوم در پیشامدها و بحران‌های اجتماعی که جامعه شیعه با آن مواجه می‌شود، به ایشان مراجعه می‌کنند و به این وسیله خود را از انحراف حفظ می‌نمایند. در این توقیع شریف، حضرت فرمودند که در زمان غیبت در این‌گونه موقعیت‌ها به راویان و کارشناسان حدیث و دین‌شناسان مراجعه کنید.

اکنون سؤالی که مطرح است این است که برای تشخیص کسی که در بالاترین سطح دین‌شناسی قرار داشته باشد و صلاحیت نیابت و قدرت اداره جامعه را هم دارا باشد، چه باید کرد؟

معلوم است که در عصر حاضر شناخت عمیق دین به شکل اصولی و

قانونمند فقط در حوزه‌های علمیه میسر است، زیرا روش‌های شناخت روایات صحیح ائمه اطهار علیه‌السلام و روش‌های استفاده و فهم صحیح روایات و روش‌های به دست آوردن صحیح احکام الهی، طی سالیان درازی در حوزه‌های علمیه، در بحث‌های بسیار دقیق و کارشناسانه‌ای حاصل می‌شود. پس نایب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر حاضر باید یک روحانی عالم و دین‌شناس باشد. طبیعتاً ممکن است در هر عصری گزینه‌های مختلفی برای بر دوش گرفتن این مسئولیت وجود داشته باشد که می‌بایست یکی از آنها که نسبت به بقیه آمادگی بیشتری برای مدیریت جامعه دارد، متصدی این کار شود.

کارشناسان مباحث ولایت فقیه دلایل دیگری نیز برای اثبات نیابت عامه در عصر غیبت کبری بیان می‌کنند؛ از جمله استدلال‌های عقلی که این نوشته مجال طرح آن مباحث را ندارد.

آسیب‌های غیبت

در بخش فلسفه غیبت دانستیم که خداوند حکیم است؛ یعنی هیچ کار بیهوده و بدون دلیل انجام نمی‌دهد. پس اگر خداوند غیبت را برای «ولی» خودش پسندیده است، به این معنا است که در شرایط فعلی جهان، غیبت بهترین راه هدایت بندگان و رسیدن آنها به کمال است. پس غیبت یک فرصت است که خداوند برای مخلوقاتش فراهم آورده است تا به رشد و کمال برسند.

اما گاه به علت عدم درک صحیح از اوضاع و عدم شناخت جایگاه عصر غیبت، کسانی دچار انحرافهایی می‌شوند. قطعاً این انحرافها در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام هم وجود داشته است که البته اهمیت و خطر آن انحرافها در عصر غیبت، به علت عدم ظهور امام معصوم دوچندان

می‌شود و جامعه اسلامی برای رهایی از آنها نیازمند بصیرت بیشتری است. حال به بیان برخی از انحرافهایی که ناشی از درک ناصحیح عصر غیبت و یا سوء استفاده سودجویان است می‌پردازیم.

ادعای ارتباط خاص (نیابت، یا بیعت)

از مباحث غیبت کبری دریافتیم که در این برهه از غیبت، هیچ شخصی به عنوان نایب یا وکیل، معین نشده است و مطابق مضمون برخی روایات اگر کسی در عصر غیبت ادعا کند که هر وقت بخواهد می‌تواند حضرت حجت را ملاقات کند، دروغ گفته و شیاد است. با این حال از ابتدای غیبت کبری تا کنون افراد زیادی از علاقه مردم نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شوق به دیدار ایشان و همچنین خلأ حضور امام معصوم سوء استفاده کرده و خود را به عنوان نماینده و فرستاده حضرت معرفی کرده‌اند که متأسفانه برخی از افراد نیز از روی ساده‌انگاری به ایشان اعتماد کرده و از آنها تبعیت می‌کنند. از این گونه مدعیان در طول تاریخ عصر غیبت بسیار بوده است و در زمانه ما نیز مواردی از آن به طور خرد و کلان در گوشه و کنار دیده می‌شود.

مهمترین وظیفه‌ای که شیعه در برابر این انحراف بر عهده دارد، بالا بردن بصیرت خود و دقت در فرمایشهای بزرگان دین است. البته قطعاً در زمان غیبت، مؤمنان و صالحانی هستند که توفیق تشریف به حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا می‌کنند، اما ایشان هیچ‌گاه ادعای ملاقات مستمر و یا ادعای نیابت امام نکرده‌اند. لذا باید دقت نمود که هر کس با هر ظاهر و جایگاهی ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد، قابل اعتماد نخواهد بود. در این خصوص مقید بودن به شریعت اسلام از مهمترین نشانه‌های صداقت این افراد است و

بی‌مبالاتی نسبت به احکام الهی بهترین دلیل بر انحراف مدعیان.

دیدارگرایی

اگر کسی در عصر غیبت به دیدار حضرت حجت نائل شود، بسیار بهره برده است و مایهٔ مباهات خواهد بود. اما گاه در طول تاریخ غیبت دیده شده که شیعیانی از روی محبت و علاقهٔ بسیار، روز و شب خویش را در مسیر ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صرف و دیدار ایشان را به عنوان بالاترین هدف زندگی‌شان تعیین می‌کنند و چه بسا در این مسیر از انجام وظایف دیگرشان باز می‌مانند.

جالب اینکه در روایات ائمهٔ اطهار و سخنان بزرگان دین، هیچ‌گاه به تلاش برای دیدار حضرت سفارش نشده و در مقابل، تأکید ائمه بر عملکرد انسانها بوده است. دیدار روی حضرت اگرچه مغتنم است، اما اگر ملاقات‌کننده دستش از اعمال صالح و ادای وظایفش خالی باشد، ارزشی برایش نخواهد داشت. اصولاً صرف دیدار، ارزش‌آفرین نیست و آنچه ارزشمند است، ارتباط قلبی و روحی و عملکرد مطابق با رضایت معصومین علیهم‌السلام است. همانند او ایس قرن که اگرچه هیچ‌گاه توفیق زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را پیدا نکرد، اما مقام و منزلتش بسیار بالاتر از افراد زیادی بود که همه‌روزه به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب می‌شدند. اگر کسی در عصر غیبت، اعمالش را با امام زمانش هماهنگ کند و وظایف دینی‌اش را بشناسد و به آنها عمل کند و با این کار باعث خشنودی امام زمانش شود؛ اگر او بمیرد در حالی که حتی برای لحظه‌ای روی امام زمانش را ندیده باشد، قطعاً مقام و ارزشش در پیشگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بالاتر از کسی

سنت که به خدمت ایشان مشرف شده است^۱ ولی اعمال و رفتارشان مطابق میل حضرت نیست. چرا که فرهنگ اسلام، شخصیت انسان‌ها را به اعمال آنها می‌داند.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح مید به آخرت (و ثواب‌هایش) دارند، همانها که صالحان را دوست دارند ولی عملکردهایشان مانند آنان نیست، همان‌ها که از گناهکاران بیزار لی خود یکی از گناهکارانند.»^۲

و در جای دیگر می‌فرمایند: «هر کس اعمالش او را پیش نبرد و به بایی نرساند، نسبت‌ها و رابطه‌هایش برای او کاری نخواهند کرد.»^۳

روزمرگی

همان‌طور که در درسنامه امامت گذشت، زمین و آسمان و تمام هستی رای استقرار و دوامشان به شدت نیازمند وجود امام معصوم هستند. یزش باران، رویش گیاهان و تمامی قوانین جاری در طبیعت جز با وجود امام معصوم برقرار نمی‌باشد و ما حتی برای جزئی‌ترین نیازهای ندگی مان نیازمند وجود امام معصوم هستیم. اگر هم‌اکنون زندگی در نره زمین و کل جهان جریان دارد، به این معناست که امام معصومی هست. اما نکته اینجا است که این احتیاج و نیاز شدید به امام در امور ندگی دنیا، در مقایسه با نیازمندی ما به ایشان در امر زندگی ابدی در جهان آخرت، بسیار ناچیز است.

کمال حقیقی انسان و استقرار حکومت آرمانی خدامحور محقق

۱. بدون کسب رضایت حضرت ملاقات ایشان ممکن نیست.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۳. همان، حکمت ۲۸۹.

نمی‌شود، مگر با ظهور آخرین حجت خداوند و ما به عنوان کسانی که فطرتاً در مسیر کمال گام برمی‌داریم، نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازمندی‌های زیاد و شدیدی داریم. ما نسبت به ظهور ایشان نیاز فوری داریم. اما به خاطر طولانی شدن غیبت، اغلب شیعیان در کشاکش مشکلات زندگی گرفتار شده و فراموش کرده‌اند که هدف نهایی سوی دیگر و راهبر واقعی غایب است. ما در بیشتر زمان‌های زندگی مان نسبت به امامی که حاضر و ناظر است و روزی خواهد آمد، غافلیم.

گاه زندگی، کسب و رفتارهای ما با کسانی که هیچ‌گونه اعتقادی به مهدی موعود ندارند، تفاوت چندانی نمی‌کند. ما به غفلتی چندلایه فرورفته‌ایم و گاه و بی‌گاه قدری هشیار می‌شویم و باز دوباره همچون کسانی که منتظر کسی نیستند به زندگی ادامه می‌دهیم. ما فراموش کرده‌ایم که امامی داریم که منتظر ماست تا آماده آمدنش بشویم که او بیاید. با نگاهی به زندگی خویش، دغدغه‌ها، آرمان‌ها و فعالیت‌ها به خوبی درمی‌یابیم که دچار روزمرگی شده و در غفلت سنگینی به سر می‌بریم.

خودآزمایی

۱. وظایف امامت چگونه انجام می‌شود؟
۲. آیا در غیبت کبری «نیابت» معنایی دارد؟
۳. مقصود ما از آسیب‌های عصر غیبت چیست؟
۴. آیا دیدارگرایی یک آفت است؟ چرا؟
۵. چه کسانی در عصر غیبت کبری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رابطه دارند؟ (انواع رابطه را بررسی کنید.)
۶. منظور از آفت روزمرگی منتظران چیست؟
۷. آیا دیدار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هدف است یا شرف؟

برای مطالعه بیشتر

- مطلع الفجر، پیرامون مدت و عوامل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید جواد معلم، انتشارات عروج اندیشه.
- درسنامه تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی، محمد رضا جباری، حسن عاشوری و سید منذر حکیم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
- اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمدصابر جعفری، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم.

درس ششم

علائم ظهور

آنچه در این درس می‌خوانیم:

- نشانه‌های ظهور
- شرایط ظهور

شرایط و نشانه‌های ظهور

با توجه به مباحث گذشته به اطلاعات زیر دقت کنید:

۱. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلایلی که ذکر آن گذشت، غایب و ناپیدا است.

۲. مدت زمان غیبت و ناپیدایی آن حضرت برای ما نامعلوم و مطابق روایات «هر کس برای زمان ظهور و پایان غیبت، زمانی را مشخص کند، دروغگوست.»^۱

۳. یکی از وظایف اساسی در زمان غیبت، انتظار فرج است. (درباره کیفیت و شرایط انتظار در درس‌نامه‌های دیگر مباحثی مطرح خواهد شد، ان شاء الله.)

کسی که منتظر چیزی است، بسیار علاقه‌مند است تا زمان سرآمدن انتظارش را بداند و هر قدر آن چیزی که انتظارش را می‌کشد با اهمیت‌تر باشد، اشتیاقش برای دانستن زمان به دست آوردن آن بیشتر خواهد بود. تشکیل حکومت جهانی سراسر عدل بر پایه دستوره‌های اسلامی برای ریشه‌کن شدن ظلم، آرزوی دیرین مسلمانان و همه انسانهای آزاده بوده است. طبق فرمایشهای پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام این آرزو به دست آخرین ذخیره الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد. لذا در طول تاریخ از حضرات معصومین به طور مکرر درباره زمان ظهور حضرتش پرسش شده است و چون اجازه بیان زمان

۱. امام باقر(ع) در پاسخ فضیل که از زمان ظهور پرسیده بود، فرمودند: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ

الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.» (کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب کراهیه التوقیت، ح ۵.

دقیق ظهور را نداشته‌اند، به ذکر برخی نشانه‌های ظهور پرداخته‌اند. نشانه‌های ظهور، اتفاقاتی است که اندکی قبل یا همزمان با ظهور واقع می‌شوند و با تحقق آنها می‌توان دریافت که زمان ظهور فرارسیده و یا بسیار نزدیک است.

اقسام نشانه‌ها و شرایط

روایاتی که نشانه‌های ظهور را بیان کرده‌اند به سه دسته قابل تقسیم هستند:

برخی از این روایات در اصل به بیان شرایط ظهور پرداخته‌اند. برخی، علائم حتمی و یقینی ظهور را بیان کرده‌اند. برخی دیگر به ذکر نشانه‌های غیرحتمی و احتمالی پرداخته‌اند.

پیش از بررسی این روایات و اقسام آنها به این مثال توجه فرمایید: تصور کنید یکی از دوستان دوران کودکی شما پس از مدت بسیار طولانی می‌خواهد به دیدن شما بیاید و شما قصد دارید به استقبال او بروید. اما به خاطر گذشت سالهای طولانی چهره او را نمی‌شناسید. به علاوه از زمان دقیق آمدنش نیز مطلع نیستید. دوست شما در آخرین نامه‌اش به شما سه جمله نوشته است که به کمک آنها می‌توانید به استقبال وی بروید. آن سه جمله عبارتند از: «... با اولین پرواز به دیدنتان می‌آیم. به محض اینکه از هواپیما پیاده شدم، به شما زنگ خواهم زد و در کنار درب فرودگاه منتظرتان می‌مانم.»

در این سه جمله دقت کنید! جمله اول یکی از شرایط آمدن دوست شما را بیان می‌کند. جمله دوم نشانه احتمالی رسیدن و شناسایی او را بیان می‌نماید و جمله سوم یک نشانه حتمی و یقینی است. اگر هواپیمایی نباشد و پروازی صورت نگیرد، طبعاً دوست شما قادر

نخواهد بود به دیدن شما بیاید؛ پس یکی از شرایط دیدار شما با دوستان آن است که پروازی انجام شود تا وی به وسیله آن به دیدار شما بیاید. شما قرار است با تماس دوستان از آمدن وی مطلع شوید. بدیهی است که وی در صورتی می‌تواند با شما تماس بگیرد که تلفن همراه او در فرودگاه تحت پوشش شبکه مخابراتی قرار گرفته باشد و همچنین خطوط ارتباطی سالم بوده و اشغال نباشند، ضمن آنکه شما نیز در موقعیتی قرار داشته باشید که قابلیت پذیرش تماس را داشته باشید و تلفن شما و دوستان دارای شارژ کافی باشد. ممکن است وقتی مهمان شما از هواپیما پیاده می‌شود، به خاطر هر کدام از موارد فوق قادر به برقراری تماس با شما نباشد و شما نیز می‌دانید که برقراری تماس، وابسته به این امور خواهد بود. پس این نشانه، یک نشانه احتمالی خواهد بود.

در جمله سوم برای شناسایی یکدیگر کنار درب فرودگاه قرار گذاشته‌اید. این نشانه یک نشانه حتمی است؛ یعنی اگر به هر دلیل تماس تلفنی حاصل نشود، دوست شما خودش را به کنار درب فرودگاه می‌رساند و شما می‌توانید در آنجا یکدیگر را بیابید.

همان‌طور که گفته شد، روایاتی که به بیان نشانه‌های ظهور پرداخته‌اند نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند. در این روایات، نشانه‌های حتمی از غیرحتمی و احتمالی متمایز شده است و «شرایط ظهور»، با استفاده از دیگر روایات و یک جمع‌بندی کارشناسانه به دست می‌آید.

شرایط ظهور

همان‌طور که در درس‌های گذشته بیان شده است، ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به همراه یک «قیام جهانی» خواهد بود

که این قیام جهانی برای تحقق و پیروزی، نیازمند مجموعه‌ای از عوامل و شرایط است. بدیهی است که با توجه به اطلاعات ناقص ما نسبت به آن «قیام جهانی عدل گستر»، نمی‌توان از همه شرایط آن آگاهی یافت. اما با توجه به روایات، مخصوصاً روایاتی که در بحث «علل غیبت و ناپیدایی» مطرح شده است، می‌توان به برخی شرایط پی برد که در این بخش به دو مورد اشاره می‌شود.

الف - یاوران

یک «قیام جهانی عدل گستر»، نیازمند یک بدنه اجرایی شایسته‌ای است که بتواند پرچم عدالت را تا محو ظلم در سراسر جهان به اهتزاز درآورد. حکمت الهی اقتضا می‌کند تا فراهم نشدن این بدنه شایسته، قیام جهانی آغاز نشده و همچنان رهبر آن - یعنی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - در نهان باقی بماند. امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

«لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ لَقَامَ قَائِمُنَا»^۱

اگر در میان شما تعداد اهل بدر (۳۱۳ نفر) وجود داشت، قائم ما قیام می‌کرد.

همان‌طور که امام صادق علیه‌السلام نیز در پاسخ به مردمی که از کثرت جمعیت شیعیان خرسند بودند، فرمود:

«أَمَّا لَوْ كَمَلَتْ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ»^۲

آگاه باشید که اگر در میان شما، افراد به تعداد آن عدّه وصف

۱. مشکاة الانوار، ص ۶۳

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۴.

شده باشد که سیصد و ده نفر و اندی است، آنچه را که می‌خواهید محقق بود.

بنابراین، تلاش برای رسیدن به ایده‌آل یک سرباز خوب و شایسته از منظر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاشی در جهت کامل کردن شرایط ظهور ایشان خواهد بود.

ب - آمادگی و پذیرش عمومی

برای موفقیت یک قیام، پذیرش و همراهی مردمی ضرورت اجتناب‌ناپذیری است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یکی از توقیعاتشان می‌فرمایند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ - عَلِي
اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا
تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا»^۱

اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتش را نصیبشان کند -
در راه وفای به پیمانی که دارند همدل شوند، میمنت دیدار ما
از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.

مطابق این روایت یکی از شرایط ظهور ایشان - علاوه بر آمادگی
یاوران خاص - آمادگی عمومی شیعیان است.

نشانه‌های ظهور

همان‌گونه که گذشت، نشانه‌های ظهور - بنابر فرموده‌های حضرات
معصومین علیهم السلام - به دو دسته نشانه‌های احتمالی و نشانه‌های

حتمی و یقینی تقسیم می‌شوند. امام باقر علیه‌السلام بنابه نقلی فرموده‌اند:

«إِنَّ مِنْ الْأُمُورِ أُمُوراً مَوْقُوفَةً وَأُمُوراً
مَحْتَمَةً...»^۱

به درستی که برخی از این امور (نشانه‌های ظهور) مواردی
حتمی هستند و برخی از آنها غیرحتمی...

نشانه‌های احتمالی و غیرحتمی ممکن است در اثر عواملی هرگز به
وقوع نپیوندند، اما نشانه‌های حتمی با توجه به بیان معصومین علیهم‌السلام
وقوعشان قطعی و یقینی است، اگرچه - همان‌طور که خواهد آمد - این
نشانه‌ها تنها و تنها در حدّ نشانه باقی خواهند ماند و با «شرایط ظهور»
تفاوت‌های اساسی دارند.

نشانه‌های حتمی و یقینی

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتَمَاتٍ:
الْيَمَانِي، السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ
وَ الْحَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ»^۲

پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج علامت
حتمی وجود دارد: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و
خسف بیداء.

۱. خروج یمانی

یمانی که ظاهراً مردی از یمن است، همزمان با خروج سفیانی [مورد

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۵، ج ۶

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰

بعد از شام قیام می‌کند و مردم را به حق و راستی و عدالت دعوت می‌نماید.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«... وَ لَيْسَ فِي الرِّيَّاتِ رَايَةٌ أَهْدِي مِنْ رَايَةِ
الِيْمَانِي. هِيَ رَايَةٌ هُدِي لَأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ ...
وَ هُوَ يَدْعُوا إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...»^۱

در میان پرچم‌هایی که در آن زمان بلند می‌شود، پرچم یمانی از همه هدایت‌کننده‌تر است. آن پرچم پرچم هدایت است؛ چرا که به صاحب شما (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعوت می‌کند... و او به سمت حق دعوت و به راه راست هدایت می‌کند.

۲. خروج سفیانی

«سفیانی» مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور، از سرزمین شام قیام می‌کند. امام صادق علیه‌السلام درباره او فرموده‌اند: «اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم را مشاهده کرده‌ای.»^۲ آغاز قیام او در ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله می‌کند. در آنجا به کشتار گسترده‌ای دست می‌زند و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می‌کند. او لشکری را برای مقابله با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حجاز می‌فرستد که آن لشکر در منطقه «بیدا» فرومی‌رود و همه لشکریان نابود می‌شوند. حکومت او به گونه‌ای است که شیعیان و انسان‌های درست‌کردار از

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۳.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۶۲ ح ۱۰.

حاکمیت وی در رنج و عذاب هستند.^۱

۳. صیحه آسمانی

یکی دیگر از نشانه‌های حتمی پیش از ظهور، «صیحه آسمانی» است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«...يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَيَسْمَعُ مَنْ بِالشَّرْقِ وَ مَنْ بِالْغَرْبِ لَا يَبْقَى رَاقِدًا إِلَّا
اسْتَيْقَظَ وَ لَا قَائِمًا إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدًا إِلَّا قَامَ عَلَيَّ
رَجُلِيهِ فَرِعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ. فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ
اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلِ
هُوَ صَوْتُ جِبْرِيلَ الرَّوحِ الْأَمِينِ...»^۲

منادی‌ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه‌السلام صدا می‌زند و هر کس در شرق و غرب عالم آن صدا را می‌شنود. از وحشت آن صدا خوابیده‌ها بیدار می‌شوند و ایستاده‌ها می‌نشینند و نشسته‌ها بلند می‌شوند و در این میان کسی که از این صدا عبرت بگیرد و دعوت آن را اجابت کند، رحمت خدا بر وی نازل خواهد شد و این صدای نخست، صدای جبرئیل است.

مطابق این روایت، صیحه آسمانی را همه اهل عالم می‌شنوند و به گونه‌ای خواهد بود که همه از ظهور مطلع می‌شوند. این صیحه دارای مضمون و دعوتی است که مردم را به آن می‌خواند و هر کس آن را اجابت کند، مورد رحمت خدا خواهد بود.

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲؛ به نقل از کتاب تنها راه، ص ۲۱۵.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۳.

۴. قتل نفس زکیه

«قتل نفس زکیه» نیز یکی از نشانه‌های حتمی شمرده شده است. ظاهراً مقصود آن است که اندکی پیش از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصیت برجسته و یا بی‌گناهی به دست مخالفان حضرت کشته می‌شود. مطابق برخی روایات، نفس زکیه بین «رکن» و «مقام» (واقع در مسجدالحرام) کشته می‌شود^۱ و میان کشته شدن او و قیام حضرت پانزده روز بیشتر فاصله نخواهد بود.^۲

۵. خَسَف بَیْدَاء

«خَسَف» به معنای «فرورفتن» و «بیداء»، منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. مقصود از «خسف بیداء» این است که وقتی سفیانی برای مقابله با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لشکری به سمت مکه روانه می‌کند، هنگامی که لشکر او به منطقه «بیداء» می‌رسد، به طرز معجزه‌آسایی در زمین فرو می‌رود.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکه رفته است. او لشکری در پی ایشان روانه می‌کند... چون لشکر سفیانی به سرزمین «بیداء» رسد، ندادهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: ای سرزمین بیداء! آنان را نابود کن. در این هنگام آن سرزمین، لشکر را در خود فرو می‌برد.»^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ح ۲.

۲. همان، ج ۱، باب ۲۲، ح ۱۶.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷.

نشانه‌های غیرحتمی و احتمالی

همان‌طور که گفته شد، منظور از نشانه‌های غیرحتمی نشانه‌هایی است که رخ دادن آنها قطعی نیست. نشانه‌های غیرحتمی ذکر شده در روایات بسیار است؛ برخی از آنها عبارتند از: خروج دجال، خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی در ماه مبارک رمضان، قیام مردی از خراسان و...

لازم به ذکر است که

۱. آنچه گذشت، نگاه گذرایی به نشانه‌های ظهور و مباحث مفصل آن بود و جزئیات هر کدام از نشانه‌ها در حیطة مباحث تخصصی است که از عهده این نوشتار خارج است.

۲. با دقت در آنچه در ابتدای بحث گذشت، تفاوت میان «شرایط» و «نشانه‌ها» کاملاً معلوم می‌گردد. تحقق «ظهور» وابسته به تحقق شرایط آن است و تا شرایط واقع نشوند، ظهور رخ نخواهد داد. اما تحقق ظهور به هیچ‌وجه وابسته به واقع شدن «نشانه‌ها» نخواهد بود و نشانه‌ها فقط در حکم نشان دهنده زمان ظهور هستند؛ یعنی یک سری اتفاقاتی که از لحاظ زمانی نزدیک به زمان ظهور هستند؛ همین و بس. لذا ما برای ایجاد «نشانه‌ها» هیچ نقش و وظیفه‌ای نداریم، اما نسبت به ایجاد شرایط می‌بایست تلاش کنیم.

۳. باید توجه داشت که نمی‌توان با مشاهده اولین اتفاقی که در نگاه اول، مشابه یکی از نشانه‌های ظهور به نظر می‌رسد، آن را از علائم حتمی یا غیرحتمی ظهور دانست. مثلاً نمی‌توان هر جنگی را که در منطقه «شام» رخ می‌دهد به «سفیانی» منسوب کرد و یا هر انسان ستمگری را «دجال» دانست و... همان‌گونه که در مثال ابتدایی بحث مطرح شد، شما نمی‌توانید هر کسی را که در کنار درب فرودگاه ایستاده

□ ۹۵ / اعلام ظهور

انست دوست خود بدانید. بنابراین، دربارهٔ برخی نشانه‌ها می‌بایست با دقت بیشتری برخورد کرد و از قضاوت عجولانه پرهیز نمود.

خودآزمایی

۱. آیا اطلاع از نشانه‌های ظهور، ما را در شناخت تاریخ دقیق ظهور حضرت یاری می‌کند؟
۲. مطالعه نشانه‌های ظهور چه تأثیری در زندگی انسان منتظر دارد؟
۳. نشانه‌های حتمی و غیرحتمی ظهور چه تفاوتی با هم دارند؟
۴. چه تفاوتی میان شرایط ظهور و نشانه‌های ظهور است؟

برای مطالعه بیشتر

- عصر ظهور، علی کورانی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید محمد بنی‌هاشمی، نشر نیک‌معارف، تهران.